



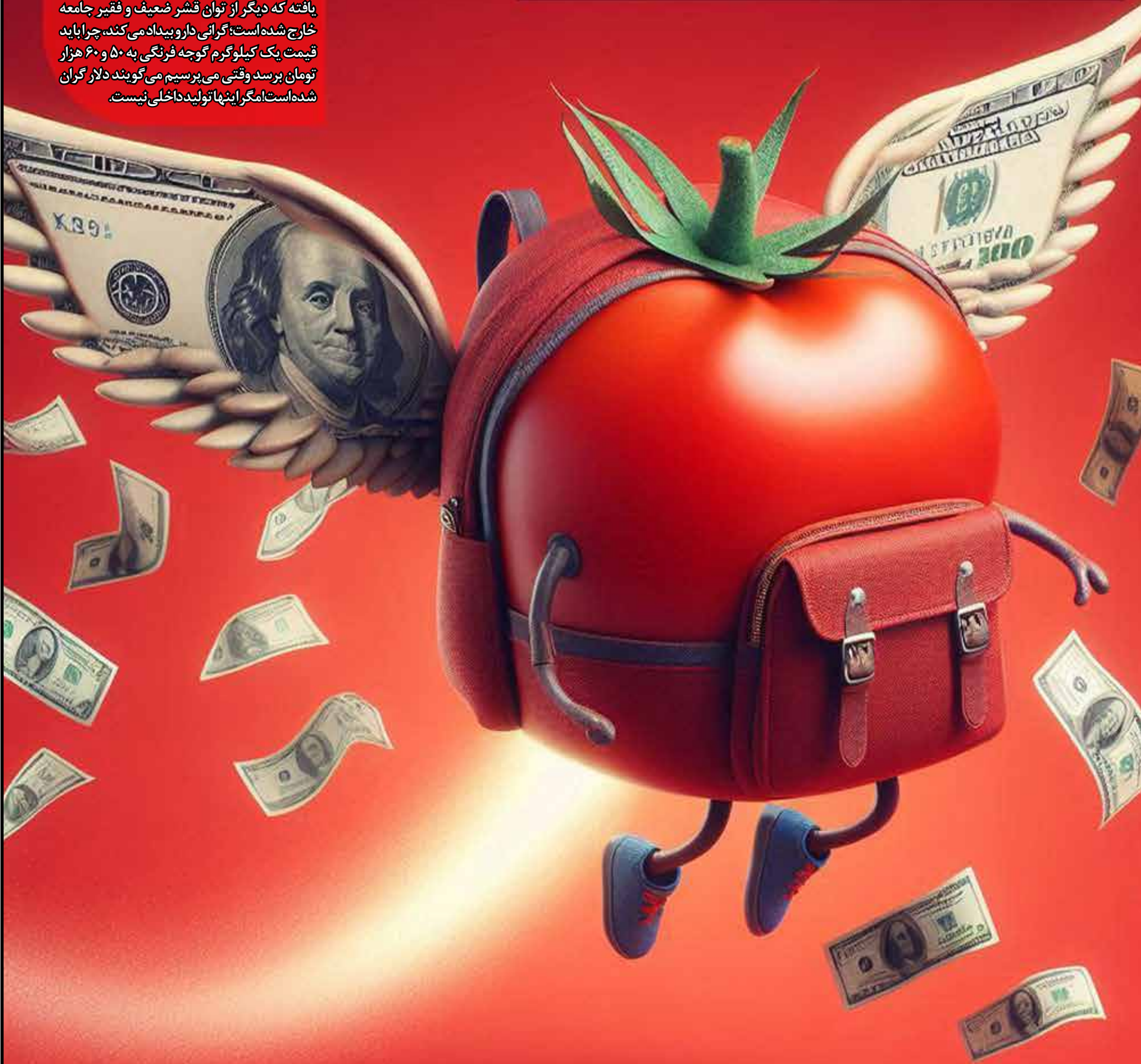
عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
شنبه ۱۹ آبان ۱۴۰۳ | ۷ جمادی الاولی ۱۴۰۴ | 9 November 2024
۸ صفحه | پنج هزار تومان | سال سوم | شماره چهارصد و شصت و یک
www.asrghanoon.ir

زرتنگی گوچه فرنگی

امام جمعه سنندج: قیمت ۶۰ هزار تومانی گوچه فرنگی چه ربطی به دلار دارد؟ مگر تولید داخل نیست؟

ماموستا فائق رستمی، ظهر دیروز در خطبه‌های نماز جمعه که در مسجد جامع سنندج اقامه شد، با اشاره به دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر معظم انقلاب بیان نمود: حضرت آقا فرمودند «خدمت به مردم» دغدغه اصلی ام است و تحقق شعار سال با مشارکت مردم تحقق می‌یابد. وی گفت: جهش تولید به معنای رونق تولید، حمایت از تولیدکنندگان، استفاده از ظرفیت‌های خدادادی، ساماندهی مرزها و ایجاد کارخانجات و حمایت از کارگران است. نماینده مردم کردستان در مجلس خبرگان رهبری عنوان کرد: سؤال اینجاست با این همه ظرفیت داخلی و نیروهای توانمند و زمینه نظارت؛ چطور تورم مهار نمی‌شود؟ و قیمت اجناس آنقدر افزایش یافته که دیگر از توان قشر ضعیف و فقیر جامعه خارج شده است؛ گرانی دارو بیداد می‌کند، چرا باید قیمت یک کیلوگرم گوچه فرنگی به ۵۰ و ۶۰ هزار تومان برسد وقتی می‌توانیم می‌گوییم دلار گرانی شده است مگر اینها تولید داخلی نیست.



تحمیل آتش بس یا حمله موشکی؟



امروز مردم غزه و کودکان خردسال آن تاوان سازشکاری امثال عرفات و دولت‌های عربی را می‌دهند، زیرا بی توجه به گزاره‌هایی که حقوق مردم فلسطین را تامین کند، توافق‌نامه‌های غذایی امضا کردند و اراده و قدرتی هم برای تغییر نداشتند.



فقه اخلاق و عرصه‌های نوپدید ناظر به قرآن



مراد از «فقه اخلاق» فقط پرداختن به کتب اخلاقی نیست، فقه اخلاق تلاش می‌کند تا پرسش‌هایی را که اخلاقی تلقی می‌کنیم و ردوانی از آنها را که در منابع دینی وجود دارد پاسخ دهیم.

گذار قدرت جهانی به نظم شرقی شده



این تاریخ قدسی، ریشه در خاک حرکت تاریخی انبیا الهی دارد و امتداد آن است و می‌رود که به‌زودی بر جهانی‌گری تجدد، غالب گردد.

تعریف اشتباه از رمزارز



برخی بر خوردها در کشورمان مثلا از طرف بانک مرکزی با رمز دارایی‌ها بر اساس این تعریف اشتباه صورت گرفته که اینها پول (رمز ارز) هستند و همین تعریف اشتباه، بهانه‌ای برای دخالت‌های ناپجا شده است.

زخم کاری به فرهنگ شهرت



پدیده «سلبریتی» در حکم یک سد مستحکم دفاعی و حتی تهاجمی برای گلوبالیست‌ها و دموکرات‌های آمریکایی است. آن‌ها قصد دارند با استفاده از این موجودیت دنیا را تحت انقیاد خود در آورند.

مدیریت فضای مجازی، نیازمند دانش فلسفه است



بیشتر افرادی که در حوزه مدیریت و حکمرانی فضای مجازی زحمت می‌کشند کسانی هستند که از اهالی فلسفه نیستند...



رمزگشایی از جاودانگی شهدای مقاومت

حنیف غفاری

شهید یحیی السنوار، رئیس دفتر سیاسی حماس و معمار عملیات غرور آفرین طوفان الاقصی به آرزوی دیرینه خود دست یافت و در مسیر آزادی قدس شریف به همراهان شهید خود پیوست. در اینجا قصد تمرکز بر ابعاد میدانی و راهبردی صحنه نبرد پس از شهادت فرماندهان مقاومت را نداریم، اما مختصات و شرایط کنونی میدان نبرد در شمال غزه و جنوب لبنان به وضوح نشان داده که رهروان مسیر فرماندهان شهید مقاومت، لحظه ای در گرفتن انتقام خون پاک آنها دریغ نکرده و روز به روز بر ابعاد و عمق شکست دشمن صهیونیستی در منطقه می افزایند.

در اینجا قصد داریم بر مسئله مهم تری متمرکز شویم و آن خطای شناختی دشمنان در قبال شهادت فرماندهان مقاومت است. این خطای شناختی، در طول تاریخ معاصر و مناسبات گذشته و جاری در حوزه روابط بین الملل نیز ظهور و بروز پیدا کرده و هر بار، هزینه های سخت تری را متوجه بانیان صهیونیستی و آمریکایی این جنایات می سازد. در ادبیات سیاسی غرب و تئوری ها و فرضیاتی که اکثراً از سوی رالیستها (واقع گرایان) و نئورالیستها مطرح می شود، ساختار بر بازیگران غلبه داشته و قدرت تنظیم حدود و ثغور رفتار و گفتار بازیگران را داراست. هر بازیگری که چارچوب ها و خطوط قرمز تحمیل شده از سوی ساختار قدرت را نپذیرد، از سوی همین ساختار حذف می شود. اما سوال اصلی اینجاست که چه کسانی این ساختار و حدود آن را تعیین و تفسیر می کنند؟

پاسخ این سوال مشخص است: بازیگری که بیشتر از دیگران می تواند زور و قدرت خود را به دیگران تحمیل کند. این همان چرخه و رابطه ایست که زور و سلطه گری خمیرمایه و ماهیت آن را تشکیل می دهد. در چنین ساختاری، بازیگران دارای کمیت و وزن محاسبه شده هستند و از سوی ساختار پنهان و آشکار قدرت ارزشگذاری می شوند.

بدون شک نمی توان منکر تاثیرگذاری ساختار بر بازیگران بود اما زمانی که ماهیت و مناسبات این ساختار بر اساس سلطه گری و زور تعریف شود، قطعاً بازیگرانی که خود را در ذیل آن تعریف می کنند نیز تاریخ مصرف محدودی دارند و هر زمان کارکرد آنها برای صاحبان قدرت و زور خاتمه پیدا کند، به نوعی از ساختار حذف می شوند. اما زمانی که ساختاری بر اساس ارزش های فطری و الهی و بر مبنای مبارزه با سلطه و ستمگری و تحقق عدالت واقعی در جهان شکل گیرد، بازیگران نیز در بطن آن دارای ارزش ابدی خواهند شد. یکی از این ساختارها، گفتمان مقاومت است.

در اینجا، نسبت به چرایی جاودانگی منظومه گفتمانی مقاومت و فرماندهان شهید آن آشنا می شویم. این جاودانگی، ریشه در اصالت و قداست این منظومه و ساختار است. ارزشهای الهی و انسانی، ذاتا مانا و پایدار هستند و در نتیجه، افرادی که حیات خود را بر مبنای این ارزش ها و اصول تعریف نموده اند نیز پایدار خواهند بود. در ساختار و منظومه گفتمانی مقاومت، خبری از زور و سلطه نیست و حریت و عدالت تبدیل به تنها هدف و ارزش مشترک بازیگران و ساختار می شود. در چنین منظومه ای، شهدای بزرگواری مانند سیدحسین نصرالله، اسماعیل هنیه، یحیی سنوار، شهید نیلروشان و ... «حیاء و عند ربهم یرزقون» هستند.

کبری آسوپار

۴ روز پس از ترور سید حسن نصرالله، ایران آتش موشکهایش را که در انتظار آتشبس در غزه و لبنان خاموش نگه داشته بود، روشن کرد و وعده صادق ۲ اتفاق افتاد تا نشان دهد ایران همیشه منتظر تحقق وعده های غرب باقی نمی ماند. با این حال جریان داخلی معترض به سکوت موشکی ایران پس از ترور هنیه در تهران، راضی نشد و معتقد بود اگر پس از ترور هنیه، حمله اتفاق می افتاد، اکنون سید مقاومت ترور نمی شد؛ ادعایی که البته حتی از مسیر تحلیل هم اثبات نمی شود، چه رسد به استدلال.

در بیانه ستاد کل نیروهای مسلح ایران هم که پس از تجاوز رژیم صهیونیستی به ایران صادر شد، به این آتشبس باز هم اشاره می شود و «ضمن محفوظ دانستن حق پاسخ قانونی و مشروع خود در وقت مقتضی، برقراری آتش بس پایدار در غزه و لبنان برای جلوگیری از کشتار مردم بی پناه و مظلوم را مورد تأکید قرار می دهد». این یعنی ایران آمادگی دارد در ازای برقراری آتشبس از پاسخ به تجاوز رژیم صهیونیستی صرف نظر کند و باز، این یعنی که ایران آماده ی دادن چنین پاسخی است و البته مثل همان وعده صادق ۲ تا همیشه هم منتظر تحقق آتشبس نمی نشیند و این همه یعنی ایران گزینه های مختلف را روی میز خود نگه داشته است.

اما چشم پوشی از پاسخ به اسرائیل در ازای آتشبس مخالفانی جدی هم دارد. جریانی در ایران شعار «جنگ جنگ تا پیروزی» را به مثابه یک ایدئولوژی پذیرفته و در این نگاه، جنگ فقط حمله نظامی است و هر نوع تلاش برای آتش بس یعنی عقب نشینی غیر تاکتیکی و مذموم. در این نگاه ما تا دم مرگ می جنگیم، اما با دشمن پای میز مذاکره نمی نشینیم. در سوی دیگر، هر نوع آتش بسی موافقانی جدی دارد که تلاش می کنند با کوچک نمایی اقدامات طرف صهیونیستی، ایران را از هر نوع پاسخی به اسرائیل بازدارند. آنها ضدجنگ بودن را مانیفست خود قرار داده اند و جنگ را چنان وسیع معنا کرده اند که هر نوع عملیات نظامی، حتی از نوع واکنش برابر متجاوز را هم شامل می شود.

تحمیل آتش بس یا حمله موشکی؟

گروه اول، مسئولین ایران را به سازش و بی غیرتی متهم می کنند و گروه دوم از این مسئولین چهره های جنگ طلب و بی منطق ارائه می دهند. نیروهای مسلح ایران هم در میان اعمال فشار این دو گروه مانده اند و همین فشارهای دو سویه شرایط را برای تشخیص درست و تصمیم گیری مناسب سخت می کند.

یک نکته مهم در این دوگانه ی حمله نظامی یا آتشبس این است که ایران آتشبس را برای خود نمی خواهد و از قضا آمادگی دارد مثل دو دفعه قبلی صدها موشک روانه سرزمین های اشغالی کند و نمایی از غیرت

نیروهای نظامی ایران و اقتدار کشور و ذلت اسرائیل را با اکران جهانی و زنده اجرا کند. اما اولویت ایران آن چیزی است که ماشین تروریسم صهیونیست ها را در غزه و لبنان متوقف کند و با تحمیل آتش بس مورد رضایت محور مقاومت، اهل غزه و لبنان بتوانند به خانه های خود، گرچه ویران و فروریخته برگردند.

هم از این روست که آمادگی ایران برای چشم پوشی از حمله موشکی به اسرائیل، نه یک عقب نشینی، بلکه یک فداکاری از سوی جمهوری اسلامی ایران در مسیر هزینه دادن برای فلسطین است. این فداکاری خصوصاً از سوی فرماندهان نظامی ایران پررنگ تر است. برای یک فرمانده نظامی که انتخاب کرده عمرش را در جنگ بگذراند، گاهی ننگین هم همچون جنگیدن فداکاری است. بنابراین آتشبس را نباید همیشه سازشی سیاه دید، بلکه جزییات آن و آنچه مورد توافق قرار می گیرد، باید مبنای قضاوت قرار گیرد.

شاید برای همه ما لازم باشد که آمادگی این نوع از فداکاری را



هم برای محور مقاومت داشته باشیم و ایثار را فقط در آمادگی برای جان دادن نبینیم، گاه شاید نیاز به گذشتن از غرور باشد. هدف ما شهادت نیست، هدف ما محو ظلم از جهان است که در این مسیر اگر هم شهید شدیم، باکی نیست؛ اما رسیدن به این هدف می تواند همیشه هم مسیرش نظامی نباشد. از سویی آتشبس همیشه هم اتفاقی سفید نیست و گاه هزینه های آن می تواند از هزینه های یک جنگ تمام عیار بیشتر تمام شود. چنانچه امروز مردم غزه و کودکان خردسال آن تاوان سازشکاری امثال عرفات و دولت های عربی را می دهند، زیرا بی توجه به گزاره هایی که حقوق مردم فلسطین را تامین کند، توافق نامه های کذایی امضا کردند و اراده و قدرتی هم برای تغییر نداشتند و خود عرفات علیرغم مبارزاتی طولانی، در نهایت با ننگ سازشکاری و فروختن آرمان فلسطین رخت از جهان بست. لذا آن جریان داخلی که سازشکاری را با ژست لطیف ضدجنگ بودن معرفی می کند، بی راهه ای را می رود که پایان آن نه فقط فروش آرمان فلسطین که وطن فروشی است، پایان آن خیانت به ایران و ایرانی است.

شکست صهیونیست ها در تحقق اهداف حمله به ایران

محمد بیات



افکار عمومی به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در چرخه «جنگ ترکیبی» ارزیابی می شود. رژیم صهیونیستی در بسیاری برهه های تاریخ با جنگ روانی به دنبال عملی کردن خواسته های نامشروع خود بود و با همین پیش فرض، یکی از اهداف کلیدی حمله به ایران، به هم ریختگی افکار عمومی و ایجاد اعتراضات داخلی بوده است.

نکته کلیدی آنکه ملت ایران به صورت زنده و با چشم خود شکست رژیم صهیونیستی را

دیدند. این حمله هیچ نگرانی ای در افکار عمومی ایجاد نکرد و صبح روز بعد از حمله مردم زندگی عادی خود را پیش بردند و در فروشگاهها و پمپ بنزین ها نگرانی نداشتند. حتی قیمت بازار طلا و سکه که قبل از این رخ داده، روند صعودی به خود گرفته بود، با شکست دشمن، روند نزولی چند میلیونی تجربه کرد. این موضوع در بازارهای سرمایه در قالب سبز شدن صفحه تالار بورس نمایان شد.

تا قبل از حمله رژیم صهیونیستی به ایران کارآمدی سامانه پدافندی ایران در هاله ای از ابهام قرار داشت. بسیاری از دولت ها تصور می کردند پدافند ایران توانایی بالایی در دفاع از کشور ندارد و اگر حمله ای به ایران انجام شود، کشور توانایی دفع حملات را نخواهد داشت. تأثیرگذاری و قدرت سامانه پدافندی ایران در حمله اخیر دشمن را متزلزل کرد و بازدارندگی ایران در زمینه دفاع را بار دیگر به دشمنان نشان داد.

در شب حمله، سامانه پدافندی ایران تعداد قابل توجهی از موشکها و پهپادهای دشمن را هدف قرار داد. به همین دلیل ژنرال کیت مکینزی، فرمانده سابق سنتکام گفت: آسمان ایران غیر قابل نفوذ و بهتر است رژیم صهیونیستی دست به اقدامات خرابکارانه علیه ایران نزند.

در مجموع دشمن که توان مشاهده شکست و قدرت ایران را نداشت، به هر روشی متوسل شد تا ضعف خود را بپوشاند. در

دو هفته گذشته ارتش صهیونیستی با انتشار بیانیهای از حمله به ایران خبر داد. هواپیماهای رژیم صهیونیستی با کریدور ایجاد شده به وسیله آمریکا در حریم هوایی عراق قصد حمله داشتند که به دلیل هشیار بودن سامانه پدافندی ایران، توان ورود به حریم هوایی ایران را نیافتند. در این حمله هدف رژیم صهیونیستی ضربه زدن به پایگاههای نظامی و موشکی ایران بود. آنها با برنامه از پیش تعیین شده سعی داشتند ضربه جدی به تأسیسات ایران وارد کنند، اما این هدف محقق نشد.

در این حمله چهار نفر از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در دفاع از حریم هوایی کشورمان به شهادت رسیدند. نقض حاکمیت ایران و گزاره جان باختن چند هموطن سبب می شود طبق بند ۵۱ منشور سازمان ملل متحد بار دیگر ایران حق دفاع مشروع خود را از سوی جامعه بین الملل دریافت کند. همچنین دبیرکل سازمان ملل متحد نگرانی خود را از شرایط منطقه اعلام و اقدامات تشدیدکننده تنش را محکوم کرد.

محکومیت تجاوز غیرقانونی رژیم صهیونیستی به ایران در بُعد منطقه ای و بین المللی به شکل بی سابقه ای رخ داد. در وهله نخست دولت عراق ورود هواپیماهای رژیم صهیونیستی به حریم هوایی کشورش برای حمله به ایران را نقض آشکار حریم هوایی دانست و اعتراض رسمی اش را به دبیرکل سازمان ملل متحد و شورای امنیت ارسال کرد. علاوه بر این، کشورهای مختلف جهان حمله رژیم صهیونیستی را به شدت محکوم کردند و خواستار کاهش تنش در منطقه غرب آسیا شدند.

متنوع بودن کشورهایایی که این حمله را محکوم کرده اند در حوزه های مختلف جغرافیایی و با انواع نظام های سیاسی به نامشروع بودن این تجاوزگری رژیم صهیونیستی دامن می زند. در این زمینه می توان مجموع کشورها را به چند دسته تقسیم بندی کرد:

- کشورهای منطقه و شورای همکاری خلیج فارس: لبنان، بحرین، یمن، امارات، پاکستان، سوریه، عمان، عراق، ترکیه، فلسطین، اردن، قطر، عربستان، کویت و افغانستان
- برخی کشورهای عضو بریکس: روسیه، برزیل، هند و مصر
- برخی کشورهای جنوب شرق آسیا: مالزی و اندونزی
- برخی کشورهای آفریقایی: الجزایر و موریتانی
- برخی کشورهای غربی و عضو اتحادیه اروپا مانند سوئیس

بهره سخن

با گذشت یک سال از جنگ رژیم صهیونیستی علیه مردم بی گناه غزه و زیر پا گذاشتن بندهای اساسنامه حقوق بشری، تل آویو بار دیگر جعلی و منفور بودن خود را در بُعد نظام بین الملل ثابت کرد. رژیم صهیونیستی با گشودن جبهه های متعدد جنگ بارها از سوی بازیگران بین المللی مورد سرزنش قرار گرفته است. علاوه بر این، رژیم صهیونیستی با رعایت نکردن حقوق داخلی و بین المللی کشورهای همسایه (استفاده از حریم هوایی عراق برای حمله به ایران)، بار دیگر ناهمگونی خود را به طور آشکار میان کشورهای همجوار نشان داد. در حمله اخیر به ایران مقام های کاخ سفید و دولت انگلیس که همیشه طرفدار و حامی رژیم صهیونیستی بوده اند، نگرانی خود را از تنش های ایجاد شده ابراز کردند و خواستار پاسخ ندادن ایران به اقدام رژیم صهیونیستی شدند. اظهارات تازه کشورهای غربی نشان از شکست رژیم صهیونیستی در حمله اخیر دارد و خواسته عاجزانه آنها برای خودداری ایران از پاسخ به تجاوز اخیر بار دیگر قدرت منطقه ای ایران را در حوزه نظامی نشان می دهد.

فقه اخلاق و عرصه‌های نوپدید ناظر به قرآن

تفقه در دین ریشه اصلی فقاقت در فضای دینی است که چند عنصر معنایی در آن هست؛ اول فقه که با فهم فرق دارد یعنی فقه به فهمی گفته می‌شود که بر اثر تامل به دست می‌آید و انسان با اندیشه به فهمی فراتر از فهم سطحی می‌رسد. تفقه در جایی است که می‌توانیم لباس فقه را بر تن افکار خود بپوشانیم. بنابراین از ما تفقه در مجموعه دین را خواسته‌اند نه فقط احکام را، ولی آنچه امروز در فقه به صورت مصطلح وجود دارد پرداختن به احکام فقهی و شرعی است، در حالی که آیه مفاد وسیع در تمامی حوزه‌های دینی از جمله اخلاق دارد.

در فقه‌الاخلاق مراد ما اصطلاح رایج تفقه نیست و قصد بازگشت به اصطلاح قرآنی است. لذا تفقه در اخلاق تاملی است که انسان را از سطح به عمق می‌رساند. رکن دیگر واژه فقه‌الاخلاق، اخلاق است و اخلاق هم در سنت مسلمین عینا در تلفظ غربی مشابهی ندارد. اخلاق در فضای مسلمین گفت‌وگو از چگونگی تحول انسان به سمت صفات مثبت یا منفی است و این موضوع در مباحث اخلاقی غرب مطرح نیست.

اخلاق در فضای فکری امروز اصطلاحی متفاوت و ارزش‌ها و گفت‌وگو در مورد بایدها و نبایدها متمرکز است. وقتی این دو واژه را کنار هم قرار دهیم، مراد از «فقه‌الاخلاق» فقط پرداختن به کتب اخلاقی نیست، بلکه مجموعه آموزه‌های دینی، حرف‌هایی در گفت‌وگوهای مسلمین و هم حرف‌هایی در حوزه مباحث مطرح شده در غرب دارد و قرآن و روایات در هر دو عرصه حرف برای گفتن دارند و فقه‌الاخلاق تلاش می‌کند تا پرسش‌هایی را که اخلاقی تلقی می‌کنیم و رد و اثری از آنها را که در منابع دینی وجود دارد پاسخ دهیم.

برای دستیابی به آموزه‌های فقه اخلاق قرآن کریم باید سلسله مواردی را مورد توجه قرار دهیم از جمله نگاه جامع و کامل و منظومه‌ای به قرآن کریم، زیرا نگاه یک‌بعدی ممکن است مشکلاتی را در مسیر تحقیق ما ایجاد کند. باید حوصله کرده و سوالات خود را آرام آرام به قرآن کریم عرضه کنیم و با پرهیز از تفسیر به رای، جواب سوالات را از قرآن بیابیم؛ الان ملاحظه کنید و ببینید که در سایه تلاش‌های مرحوم صفائی حائری با چند آیه، طرح فقه‌الاخلاقی ارائه کرده‌اند لذا عرصه فقه‌الاخلاق زمینه‌ای است که از این نوع ظرافت‌ها در آن زیاد است و پرهیز از تعجیل و افتادن در وادی تفسیر به رای در استنطاق این موارد از قرآن کریم بسیار مهم و ضروری است.



کار انجام می‌دهیم تا برای هم تعریف کنیم و پرستیژ بگیریم ولی گاهی کوتاهی عمر را فهمیده‌ایم و احساس می‌کنیم فرصت در حال از دست رفتن است؛ اولین دستور برخاستن و دومین دستور، برخاستن و قیام برای خداست؛ ما انسان‌ها برمی‌خیزیم ولی انگیزه‌های مختلفی مانند تبعیت از اوامر زن و بچه و دیگران و انگیزه مادی و کسب پول و ... ولی آیه تاکید دارد که برخاستن شما باید برای خدا باشد.

کار انجام می‌دهیم تا برای هم تعریف کنیم و پرستیژ بگیریم ولی گاهی کوتاهی عمر را فهمیده‌ایم و احساس می‌کنیم فرصت در حال از دست رفتن است؛ اولین دستور برخاستن و دومین دستور، برخاستن و قیام برای خداست؛ ما انسان‌ها برمی‌خیزیم ولی انگیزه‌های مختلفی مانند تبعیت از اوامر زن و بچه و دیگران و انگیزه مادی و کسب پول و ... ولی آیه تاکید دارد که برخاستن شما باید برای خدا باشد.

قرآن کریم فرموده است: **إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّضَعُوا بِالْحَقِّ وَتَوَّضَعُوا بِالصَّبْرِ.** یعنی انسان‌ها نیاز دارند که همدیگر را به حق و صبر توصیه کنند یعنی در مواردی راه حق را گم کرده‌ایم و دیگری به ما نشان می‌دهد و در مواردی راه را درست تشخیص داده‌ایم ولی در این مسیر، کم آورده‌ایم و نیاز به صبر داریم. در ادامه هم فرموده است: **ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا.** تفکر در اینجا دواى درد است و نه پزدان. می‌پرسیم و می‌جویم چون دواى درد ما است.

انسان با رعایت این آیه می‌تواند به همه خوبی‌ها برسد. اگر واقعا دنبال حل مشکلات هستیم باید به پا خیزیم یعنی سختی و بار و کار لازم است وگرنه کسی که آماده اقدام نیست بی‌جهت سخن می‌گوید؛ آیه تاکید می‌کند که دیگری را هم همراه خودت کن تا گره‌ها زودتر باز شود. پس یک آیه قرآن کلید مشکل‌گشای بزرگی برای حل مشکلات اجتماعی است. ارائه شده در نشست علمی «فقه اخلاق و عرصه‌های نوپدید ناظر به قرآن» انجمن علمی معارف دانشگاه شهید بهشتی، تیرماه ۱۴۰۳

یکی از عرصه‌ها برای تربیت به خصوص تربیت کودکان و فرزندان این است که غایت و هدف مطلوب در تربیت فرزند چیست؟ این سؤال بسیار مهم است، زیرا هدف به همه تدابیر ما خط و جهت می‌دهد و اگر ما وضع مطلوب در تربیت آدمی و نقاط کلیدی اصلی را تنظیم و تدبیر کنیم بقیه به خوبی تدبیر خواهد شد. دقیق‌ترین حرف این است که بگوییم ویژگی‌های اصلی، کلیدی و انسان‌ساز کدامند که سبب هدایت انسان می‌شوند. به تعبیر دیگر سؤال اصلی در نظام مسائل تربیت چیست؟ آنچه از ما برمی‌آید، هدایت افراد است ولی در نهایت افراد انتخاب می‌کنند.

یکی از اوقات ما دنبال کارهای فکری می‌رویم ولی برای تفنن

خیلی از اوقات ما دنبال کارهای فکری می‌رویم ولی برای تفنن

«افول آمریکا» روانه بازار نشر شد

کتاب «افول آمریکا»، منتخبی از مجموعه یادداشت‌های پروفسور حمید مولانا در روزنامه کیهان پیرامون افول آمریکا طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ نگاشته‌اند، به تازگی توسط انتشارات امیرکبیر چاپ و روانه بازار نشر شد.

این اثر، سومین عنوان از «مجموعه آمریکا شناسی» پروفسور حمید مولانا است. ایشان در دو عنوان قبلی یعنی «امریکا شناسی»، «فرزاد و فرود یک امپراتوری» که پنج بار از سال ۱۳۹۰ تجدید چاپ شده است و «افول آمریکا» که برای نخستین بار در سال ۱۴۰۳ منتشر شده است، تحلیل و نگرش خود را در خصوص وضعیت موجود آمریکا و آینده آمریکا به رشته تحریر در آورده است.

حمید مولانا در همه سالهای زندگی، تلاش و پیگیری مستمر وی در فعالیت‌های علمی و پژوهشی داشته است که به همین دلیل در مدت کوتاهی توانسته است مدارج علمی را تا بالاترین سطوح در سالهای جوانی در دانشگاه‌های معتبر آمریکا کسب کند و به چهره‌های شناخته شده و برجسته در حوزه علوم اجتماعی و ارتباطات در عرصه بین‌المللی تبدیل شود.

این کتاب، منتخبی از مجموعه یادداشت‌های ایشان در روزنامه کیهان پیرامون افول آمریکاست که در طول سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۹۰ نگاشته‌اند. سیر این یادداشت‌ها که به همراه تاریخ انتشار آنها منتشر می‌شود، ضمن مرور روند افول آمریکا در قریب به ۲۰ سال رصد ایشان از وضعیت فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، نظامی و اجتماعی این کشور، به خواننده این امکان را می‌دهد که برخی پیش‌بینی‌ها و گمانه‌زنی‌های ایشان را که در ضمن مقالات به آنها اشاره کرده‌اند، نسبت به زمان حاضر بسنجد و ارزیابی کند.

گذار قدرت جهانی به نظم شرقی شده

و پاکسازی منطقه از جولان‌دهی و قدرت‌گیری داعش - که به دست باکفایت شهید سلیمانی صورت گرفت - ورق را برگرداند و تهدید مهلک را فرصت تاریخی تبدیل کرد. اینک ایران به‌راستی در قامت یک «قدرت منطقه‌ای» ظهور کرده بود و منطقه به عرصه «تجلی اقتدار» او تبدیل شده بود. باید پاسخ ابتدایی ایران به ترور حاج‌قاسم را نیز به این معادله افزود و آن را نیز مولد اقتدار دانست.

اچهارم]. درحالی که روایت رهبر انقلاب از «جنگ اوکراین»، یک روایت تاریخی بود و ایشان بر این باور بودند که در پس این جنگ، تحولات بزرگی نهفته است و جهان در حال حرکت به سوی دیگر است و فردای متفاوتی را خواهد دید، ناگهان «حمله شگفت‌آور حماس به اسرائیل»، نظریه چرخش تاریخی را با یک شاهد آشکار مواجه کرد. حماس به عنوان یک نیروی نظامی در محاصره و محدود، توانست بر اثر این حمله، هیبت نظامی و شوکت اطلاعاتی اسرائیل را در هم ببرد و به تعبیر رهبر انقلاب، آن را با یک «شکست حیثیتی ترمیم‌نشدنی» روبرو سازد. درحالی که اسطوره اسرائیل، برخی ذهن‌ها را به تسخیر خود درآورده بود و برچیدن اسرائیل را به آرزوی خام و نشدنی تبدیل کرده بود، این نفوذ حیرت‌آور، همه فرضیه‌های پیشین را کنار زد و «امکان تاریخی تازه‌ای» را پدید آورد. مسأله اساسی نیز این بود که در برابر اسرائیل، فقط یک «گروه نظامی داخلی» قرار داشتند و نه دیگری همچون ایران، و به همین دلیل، این شکست، یک «شکست تحقیرآمیز» برای اسرائیل به شمار آمد. اسرائیل که به بیان رهبر انقلاب، در ورطه «استیصال» و «سرگشتگی» گرفتار شده بود، چاره‌ای جز پاسخ نداشت، اما در عمل دریافت که پس از تهاجم وحشیانه به غزه، نه‌فقط فتوحات نظامی نصیبش نشد، بلکه از نظر انسانی و اخلاقی نیز در چشم جهانیان محکوم گشت. دراین‌میان، حمله اسرائیل به کنسول‌گری ایران در سوریه، خطای براندازنده دیگری بود که اسرائیل به دلیل گرفتار آمدن در «بن‌بست راهبردی»، مرتکب آن شد. این خطا، با واکنش خوف‌انگیز ایران مواجه گردید و پهلپادها و موشک‌های ایران به آسمان اسرائیل راه یافتند و از گنبد آهنین عبور کردند. اسرائیل تاکنون نتوانسته به این مواجهه قاطعانه و جسورانه ایران پاسخی بدهد و این امر را نیز باید به فهرست طولانی شکست‌ها و بن‌بست‌های اسرائیل اضافه کرد. ایران نشان داد که در پی جنگ نیست، اما کمترین تردیدی در

ادوم]. از دو دهه پیش به این سو، رهبر انقلاب سخن از «پیچ تاریخی» به میان آوردند و کوشیدند با ارائه شواهد و مصادیقی، نشان بدهند که جهان در آستانه یک تحول بنیادی و دگرگونی فراگیر قرار گرفته است. این تفسیر از جهان، در گفته‌های ایشان تکرار شد و به تدریج، صراحت بیشتری یافت؛ به گونه‌ای در چند سال اخیر، ایشان با اصرار و تأکید بسیار بیشتری، از این پیچ سخن می‌گویند، بلکه بر این باور هستند که ما اکنون در درون لایه‌هایی ابتدایی از «متن تحقق‌یافته» آن قرار گرفته‌ایم و چندی‌ست که تحول، آغاز شده است. در این چرخش تاریخی، گرانیگاه قدرت از «غرب» به «شرق» انتقال خواهد یافت و شرق نه‌فقط با غرب، برابری خواهد کرد، بلکه بر آن «تفوق تمدنی» خواهد یافت. «شرقی‌شدن قدرت جهانی»، خصوصیت دوره تاریخی جدید است که رهبر انقلاب در چند دیدار، به آن اشاره کردند. به‌این ترتیب، دوره «نظم نوین جهانی» و «جهان تک‌قطبی» که سودهایی آمریکایی بودند، به سر آمده و قدرت‌های مؤثر، جرأت صفا آریایی یافته‌اند. رهبر انقلاب بر این باور هستند که تحولات تاریخی بزرگ، در کوتاه‌مدت رخ نمی‌دهند و باید صبور بود و شتاب‌زده، توقع معجزه نداشت. باید علائم چرخش را دید و شناخت و کوشید از ظرفیت خویش در جهت تولید «شرایط امکان معطوف به چرخش» استفاده کرد. این پرسش را که «رسالت تاریخی ما» در برابر این موقعیت خاص جهانی چیست، در برابر نخبگان ایرانی قرار دادند و تلاش کردند ذهن‌های فرهیخته را با آن درگیر و مماس سازند. در این حادثه تاریخی، ایران نیز نقش‌آفرین بوده و امکان‌های مهمی را پدید آورده است، اما در کنار این عامل، دیگری نیز حضور داشته و دارند که معادله‌ساز و چرخش‌آفرین بوده‌اند. بنابراین از نظر ایشان، چرخش تاریخی را نباید «تک‌عاملی» و «تک‌محور» قلمداد کرد.

ا سوم]. خیزش «بیداری اسلامی» که یک دهه پیش پا گرفت و موج عظیمی را به راه انداخت، امیدها را زنده کرد و نشانه‌هایی از جهان فردا را پیش رو قرار داد، اما چندی بعد با در هم ریخته شدن این موج، نظریه انقلاب اسلامی درباره صورت‌بندی موج تحول‌خواهی در میان جوامع اسلامی به چالش کشیده شد. افزون‌براین، «ظهور داعش» در منطقه و «شیوع سلفی‌گری»، به عنوان نشانه نقیض و میطل بر سر آورد و رویکرد انقلاب اسلامی را با احتمال شکست روبرو کرد. اما حماسه مواجهه قاطعانه ایران در پس‌زدن داعش



مهدی جمشیدی

ایکم]. رهبر معظم انقلاب از هنگام قرار گرفتن در منزلت ولایت فقیه، تجدیدنظری در سیاست‌های منطقه‌ای و جهانی امام خمینی نداشتند و از همان زاویه، به مناسبات و معادلات بیرونی نگریستند و به تدبیر چگونگی «کنشگری جهانی ایران» پرداختند. در این راستا، ایشان همان خطوط راهبردی امام خمینی را استمرار بخشیدند و بسط دادند که عبارتند از: اهتمام به ایجاد یک «دوره تاریخی جدید» و عبور از نظم کنونی جهان در قالب نظریه «پیچ تاریخی»؛ ایستادن در برابر ایدئولوژی «لیبرال- سرمایه‌داری» و عرضه نظریه «مردم‌سالاری دینی» به‌عنوان بدیل حکمرانانه؛ سوق دادن ایران به سوی «الگو» واقع‌شدن و تبدیل‌گشتن به یک تجربه عینی کامیاب در قالب نظریه «استحکام ساخت درونی نظام» و «ایران قوی»؛ بسیج نیروهای بومی و اینجایی در جهت ایجاد «تمدن نوین اسلامی» در برابر تمدن غربی؛ تقویت موج «بیداری اسلامی» در میان جوامع اسلامی و برانگیختن و فعال‌سازی امت اسلامی؛ مطرح‌ساختن نظریه «مقاومت» به‌عنوان راه برون‌رفت از تعدی و تجاوز غرب و معرفی کردن نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان دولت مقاومت؛ حمایت قاطع از تشکیل و بسط «هسته‌های مقاومت» در سطح جوامع اسلامی به مثابه لایه‌های بومی و توزیع‌شده نظریه مقاومت و «عمق راهبردی جمهوری اسلامی»؛ تشدید و تعالی «بنیة نظامی» به منظور بازدارندگی حداکثری نسبت به تمایل دشمن به درگیری. اینک باید به طور مختصر این مفاهیم را بر اساس سیر تاریخی، مفصل‌بندی نمود تا به لحظه اکنون رسید که با مسأله غزه مواجه هستیم و حس می‌کنیم که تاریخ در حال ورق خوردن و پانهادن به دوره جدید است.

چرا ترامپ برد و هریس باخت؟



پایان آخرین راند سیرک آتش بس

پایان آخرین راند سیرک آتش بس در منطقه و شرط بندی نتایهاو بر ورود ترامپ به کاخ سفید

اساس تمام تلاش‌های اخیر آمریکا برای آتش بس، مبتنی بر فروش دستاورد و کسب رای بود. از همین رو فرستادگان متعدد آمریکا به منطقه آمدند تا دموکرات‌ها را از تلاش برای آتش بس سخن بگویند؛ فرستادگان نیز همگی طرح‌هایی داشتند که در آن اسرائیل عملاً به همه خواسته‌های خود به جای میدان، در مذاکره رسیده، بدین ترتیب هم لابی یهودی و هم مسلمانان آمریکایی راضی خواهند بود؛ آتش بسی با اجرای خواسته‌های اسرائیل!

در آخرین این تلاش‌ها اما ران درمر، وزیر امور استراتژیک رژیم به واشینگتن اطلاع داد که تل آویو نظر مثبتی بر آخرین پیش‌نویس آمریکا برای آتش بس در لبنان دارد. پیش‌نویسی که عملاً یک قرارداد ۱۰۰ درصد استعماری بود و اهدافی فرای نابودی حزب‌الله داشت؛ توافقی که در صورت اجرا عملاً می‌شد لبنان را مستعمره رژیم و آمریکا دانست.

از همان ابتدا نیز مشخص بود که حزب‌الله با این توافق مخالفت خواهد کرد و به نظر نتایهاو نیز این را می‌دانست اما واشنگتن، ذوق زده از نظر مثبت اولیه نتایهاو، سریعاً هوکش‌تاین، مک گورک و حتی برنز را عازم منطقه و اراضی اشغالی کرد؛ هم‌زمان رسانه‌های آمریکایی با پررنگ کردن خط آتش بس به دنبال دستاوردسازی زود هنگام برای دموکرات‌ها بوده و برخی مقامات ساده لوح و زودباور لبنانی نیز با هیجان و اشتیاق از توافق سخن گفتند.

در روزهای گذشته اما در کمال تعجب هیئت آمریکایی، نتایهاو پیش‌نویس پیشنهادی آمریکا را رد کرد! آن هم در حالی که تقریباً تمام امتیازات دلخواه رژیم در آن آمده بود. این مسئله نشان داد که اساساً از ابتدا نیز نتایهاو به دنبال خرید وقت و بازی دادن بایند بوده زیرا مفاد این طرح آنقدر استعماری بود که از همان ابتدا مشخص بود که نه تنها حزب الله که برخی سیاستمداران با شرافت لبنانی نیز زیر بار آن نخواهند رفت با این حال وی با پالس مثبت، فضا را حفظ کرد اما ناگهان به زیر میز زد؛ امری که حکایت از شرط بندی جدی نتایهاو برای ورود ترامپ به کاخ سفید دارد.

با بازگشت نگاه‌ها به میدان و شکست رایزنی‌های موازی برای آتش بس در لبنان و غزه، اکنون طرح آتش بس در لبنان و غزه به جای پاسخ در ایران نیز کنسل شده و مهم‌ترین متغیر موثر بر این پاسخ، محاسبات ما در خصوص سه‌شنبه ۱۵ آبان است.

ویلیام گلاستون ترجمه و تدوین محمد رضا دادگستر

ترامپ در انتخابات ۲۰۲۴ یک پیروزی شخصی به دست آورد که همه ایالت‌های چرخشی را فرا گرفت، سهم آرای خود را تقریباً در همه جا بهبود بخشید و - برخلاف پیروزی خود در سال ۲۰۱۶ - اکثریت مطلق آرای مردم را به دست آورد. افزون بر این، او حزب جمهوری خواه را به کسب اکثریت بیش از حد انتظار در سنا هدایت کرد و اگرچه نتیجه بسیاری از رقابت‌های مجلس نمایندگان هنوز مشخص نیست، ممکن است کرسی‌های حزب جمهوری خواه در مجلس نمایندگان نیز افزایش یابد. این دستاوردها چیزی فراتر از امری تدریجی هستند. در واقع، آن‌ها ممکن است نمایانگر دوران جدیدی در سیاست آمریکا باشند.

پیروزی ترامپ

مشخص شد که تئوری دونالد ترامپ در مورد انتخابات به صورت کلی صحیح است. او و مدیران مبارزات انتخاباتی‌اش بر این باور بودند که می‌توان از قدرت رو به رشد جمهوری خواهان در میان رای‌دهندگان سفیدپوست طبقه کارگر برای ایجاد یک ائتلاف چندقومیتی طبقه کارگر استفاده کرد. او درست می‌گفت: اگر نتایج نظرسنجی‌ها دقیق باشد، آرای او در میان آمریکایی‌های لاتین تبار و آفریقایی تبار، به‌ویژه مردان، پیشرفت‌هایی داشته است. او سهم خود از آرای مردان سیاه‌پوست را از ۱۲ درصد به ۲۰ درصد و مردان اسپانیایی تبار از ۵۴ درصد به ۴۵ درصد افزایش داد.

کمپین ترامپ همچنین معتقد بود که می‌تواند عملکرد خود را در میان بزرگسالان جوان بهبود بخشد و این کار را نیز انجام داد - از ۳۵ درصد در سال ۲۰۲۰ به ۴۲ درصد در سال جاری. شواهد حاکی از آن است که بیشتر این دستاوردها بازتاب‌دهنده تغییر به سمت ترامپ در میان مردان جوان است. ترامپ زمان زیادی را صرف پادکست‌ها کرد، مانند پادکست‌های جو روگان، که مخاطبان اصلی آن این گروه غیرقابل دسترسی هستند. پس از انتخابات مقدماتی جمهوری خواهان، نیروهای برنده‌ساز ترامپ با یک انتخاب روبرو شدند: آن‌ها می‌توانند پیام خود را تعدیل کنند تا به حامیان ناامید نیکی هیلی که یک کمپین سنتی محافظه کار دوستدار ریگان را اداره می‌کرد، برسانند، یا می‌توانند به درخواست همه جانبه خود از پایگاه جمهوری خواهان ادامه دهند درحالی‌که ترامپ از حمایت با کراهت رقیب شکست‌خورده‌اش لذت می‌برد. آن‌ها راه دوم را انتخاب کردند و برنده این قمار شدند که حزب حول آن‌ها متحد شود. دونالد ترامپ ۹۴ درصد از آرای جمهوری خواهان را به دست آورد و به عنوان پادشاه برتری دموکرات‌ها را در میان مستقل‌ها از ۹ درصد در سال ۲۰۲۰ به پنج درصد در سال جاری کاهش داد.

انتخاب‌های تاکتیکی کمپین ترامپ نتیجه داد. مشخص شد که سه مورد بسیار مهم هستند. اول: کمپین با توجیه شدن به اینکه پیوند شخصی شدید ترامپ با حامیانش بیشتر کار بسیجگری را انجام می‌دهد، تصمیم گرفت سرمایه‌گذاری هنگفتی روی سازمان‌دهی سنتی تشویق مردم به مشارکت در انتخابات انجام دهد و در عوض آن را به سازمان‌های حامی واگذار کرد. اگرچه

کمپین هریس خیلی به مزیت تبلیغات میدانی خود افتخار می‌کرد، شواهد کمی وجود دارد که نشان دهد این تبلیغات تفاوت زیادی ایجاد کرده باشد.

دوم: کمپین ترامپ تصمیم گرفت که موضع هریس در مورد مسائل تراجنسیتی، ویلی هورتون سال ۲۰۲۴ باشد و سرمایه‌گذاری چشمگیری بر روی تبلیغات منفی که در سراسر رادیوهای جنوب کشور پخش می‌شد، انجام داد. شواهد حاکی از آن است که این کمپین به تضعیف تلاش هریس برای نشان دادن خود

به عنوان یک نامزد چپ میانه هوادار عقل سلیم به جای عاملی فرستاده‌شده از سانفرانسیسکو کمک کرد.

سوم: دونالد ترامپ تصمیم گرفت موضع خود در مورد سقط جنین را با اعلام زود هنگام اینکه هر ایالت باید خودش در این مورد تصمیم بگیرد تعدیل کند و سپس با قول دادن در مورد آنکه ممنوعیت ملی سقط جنین را وتو خواهد کرد، به سیم آخر زد. این اقدام باعث شد که بسیاری از دشمنان دیرینه سقط جنین ناامید شوند و برخی نیز خشمگین شدند. با این وجود، ترامپ هیچ بهایی پرداخت نکرد و ۸۱ درصد از آرای سفیدپوستان مسیحی انجیلی را به دست آورد - تقریباً بدون تغییر نسبت به چهار سال پیش.

شکست هریس

کمپین هریس همیشه دچار سختی بود. او معاون رئیس‌جمهوری بود که محبوبیتش در اواسط سال اول ریاست جمهوری‌اش کاهش یافت و هرگز بهبود نیافت. قضاوت عمومی در مورد عملکرد او در مورد دو موضوع اصلی - تورم و مهاجرت - به شدت منفی بود و هریس زمانی که جو بایدن تلاش خود برای دور دوم را کنار گذاشت، این عدم محبوبیت را به ارث برد.

این واقعیت که بایدن آنقدر منتظر ماند تا رقابت را ترک کند، به ضرر هریس تمام شد. تصمیم دیرنگام رئیس‌جمهور این فرصت را از او گرفت که استدلال‌های خود را در یک جدال مقدماتی آبدیده کند و زمان کمتری هم جهت معرفی خود به رای‌دهندگان داشت. او در این شرایط با متحد کردن سریع حزب و استقرار بر روی دستگاه مبارزات انتخاباتی بایدن به جای شروع از صفر، بهترین کار را انجام داد، اما هرگز به طور کامل بر مشکلات ناشی از جدول زمانی بایدن غلبه نکرد.

تئوری هریس در مورد انتخابات نیز ناقص بود. به نیم‌نگاهی به نمونه‌هایی از انتخابات ۲۰۲۲، هریس فرض کرد که قرار دادن حقوق باروری در مرکز دستورکار انتخاباتی‌اش، ارتشی از زنان خشمگین را بسیج می‌کند و آن‌ها را با تعداد بی‌سابقه‌ای به پای صندوق‌های رای می‌کشاند. این اتفاق رخ نداد. سهم زنان از کل آرا نسبت به سال ۲۰۲۰ به مقدار بسیار اندکی افزایش پیدا کرد و سهم هریس از زنانی که رای دادند نسبت به سطوح سال ۲۰۲۰ بایند افزایش پیدا نکرد. به سختی می‌توان قضاوت



کرد که این تاکید بر سقط جنین تا چه اندازه به عملکرد ضعیف هریس در بین مردان کمک کرده است - فقط ۴۳ درصد نسبت به ۴۸ درصد بایند در سال ۲۰۲۰ - اما هیچ چیز نتوانست آن‌ها را متقاعد کند که دولت هریس نسبت به نگرانی‌های آن‌ها حساس باشد.

بحث پایانی هریس - اینکه دونالد ترامپ یک خطر آشکار و فعلی برای دموکراسی است - تنها کمی بهتر عمل کرد. این اتفاق تا حدی به این دلیل رخ داد که بسیاری از جمهوری خواهان و مستقل‌ها هریس و دموکرات‌ها را تهدیدی واقعی برای دموکراسی می‌دانستند، و همچنین به این دلیل که این اتهام اطلاعات جدیدی را ارائه نمی‌کرد که رأی‌دهندگانی را که تصمیمی برای رای‌دادن نگرفته بودند تحت تأثیر قرار دهد.

دونالد ترامپ به احتمال بالا شناخته‌شده‌ترین کاندیدا در تاریخ مدرن آمریکا است که تغییر دیدگاه هر کسی را نسبت به او دشوار می‌سازد.

انتخاب‌های تاکتیکی هریس مشکلات او را وخیم‌تر کرد. اول، او از فرصت‌ها برای خلق یک نماد سیاسی واضح‌تر چشم‌پوشی کرد. اگرچه عدم محبوبیت بایدن بار کمپین هریس را سنگین کرد، اما او حاضر نشد خود را از بایدن به هر طریقی که به رای‌دهندگان متقاعدشونده نفوذ کند، جدا کند. به همین ترتیب، هریس با امتناع از توضیح اینکه چرا مواضع مترقی خود در مورد جرم، مهاجرت، مراقبت‌های بهداشتی و تغییرات اقلیمی را کنار گذاشته است، تصور عمومی از خود را مبهم و در را به روی اتهامات کمپین ترامپ مبنی بر اینکه او یک رادیکال پنهانی است باز کرد. شماری از دموکرات‌ها با فکر کردن به مبارزات انتخاباتی موفق بیل کلینتون در سال ۱۹۹۲، امیدوار بودند که هریس یک لحظه «خواهر سولجا» بی داشته باشد که در آن او برای نشان دادن استقلال خود از برخی اصول ارتدکس حزبی جدا شد، اما این اتفاق نیفتاد.

دوم، تصمیم هریس برای اجتناب از مصاحبه‌های رسانه‌ای در نیمه اول کمپین خود این تصور را ایجاد کرد که او به اظهارات نوشته‌شده وابسته است و از اینکه خود فکر کند می‌ترسد. پاسخ‌دادن به سؤالات دشوار می‌تواند شهرت یک کاندیدا را از نظر شایستگی و شخصیت حرفه‌ای افزایش دهد، نکته مثبتی که هریس و کمپین او برای مدت زمانی طولانی از آن غافل بودند. (موسسه بروکینگز)

چرا سیاست خارجی ترامپ برای آمریکایی‌ها جذاب‌تر است؟

علیرضا حاجتی



رای دهندگان نقش آفرین بوده، به طوری که تقریباً از هر ۱۰ آمریکایی، ۶ نفر با مدیریت بایدن در این موضوع مخالف هستند. هر کسی که رئیس جمهور باشد. اما آمریکایی‌ها در یک چیز اتفاق نظر دارند. سه چهارم جمهوری خواهان و دو سوم دموکرات‌ها از آتش بس حمایت می‌کنند. جنگ غزه هم مانند جنگ اوکراین، عمیقاً تفرقه افکن است. تقریباً ۴ بر ۱ دموکرات‌ها بیشتر از جمهوری خواهان معتقدند که اسرائیل در حملات خود بیش از حد پیش می‌رود. سه چهارم دموکرات‌ها معتقدند که اسرائیل باید آتش بس را بپذیرد. آمریکایی‌ها از جمله ۸۵ درصد از جمهوری خواهان محافظه کار و ۵۸ درصد از دموکرات‌های لیبرال قبول دارند که جو بایدن مدیریت نادرستی در این جنگ داشته است.

که سریعاً به این جنگ‌ها خاتمه خواهد داد. همانطور که در زمان ریاست جمهوری‌اش از «جنگ‌های بی‌پایان» آمریکا در افغانستان و عراق انتقاد کرده بود. این وعده ترامپ ما به ازای تاریخی هم دارد. وودرو ویلسون در سال ۱۹۱۶ مبارزات خود را با عنوان "او ما را از جنگ دور نگه داشت" آغاز کرد. (اشاره به عدم مداخله آمریکا در جنگ جهانی اول). فرانکلین دلانو روزولت هم در سال ۱۹۴۰ مهم‌ترین وعده‌اش برای آمریکایی‌ها این بود که "پس‌ران شما به هیچ جنگ خارجی فرستاده نخواهند شد."

در مقابل راهبرد سیاست خارجی کاملاً هریس بر منطقی ایدئولوژیک استوار بوده است. او وقتی درباره جنگ اوکراین صحبت می‌کند نه از توقف جنگ بلکه از ضرورت شکست ولادیمیر پوتین و روسیه می‌گوید یا وعده روشنی درباره توقف نسل‌کشی رژیم اسرائیل نمی‌دهد و موتیف ثابت و استدلال پوسیده و منسوخ سیاستمداران غربی درباره اینکه اسرائیل حق دارد از خود دفاع کند را تکرار می‌کند. با ورود جنگ اوکراین به سومین سال خود و جنگ غزه که خاورمیانه را بر لبه جنگ تمام عیار قرار داده و همچنین مسئله چین چالش‌هایی بزرگ است که موجب شده پژوهاک بحث‌های قبلی سیاست خارجی دوباره در انتخابات ۲۰۲۴ آمریکا شنیده شود.

جنگ اوکراین و غزه که در دولت بایدن آغاز شد در حال حاضر به چشم اسفندپار دموکرات‌ها تبدیل شده، موضوعی که ترامپ با تمرکز روی آنها استدلال می‌کند در دوران بایدن و هریس جنگ جهانی سوم آغاز خواهد شد. جنگ در اوکراین در نگرانی

نظرسنجی سال‌های اخیر به طور مداوم نشان می‌دهد که اقتصاد، تورم و مهاجرت مهم‌ترین دغدغه آمریکایی‌ها است. آمریکایی‌ها طی این بررسی‌ها معتقد بودند که باید کمتر به مشکلات خارج از کشور توجه شود و بیشتر به مسائل و چالش‌ها در خانه توجه شود. این همان نقطه‌ای است که برتری با وعده‌های ترامپ است و رییس جمهور سابق روی آن توقف کرده است. وعده‌های سیاست خارجی کاملاً هریس شاید حرفه‌ای تر و منطبق بر ارزش‌های جهان آمریکایی در قرن بیست و یکم باشد اما گفتمان انتخاباتی ترامپ در سیاست خارجی آمریکا قدمتی تاریخی دارد. سیاست خارجی از دیرباز غیر از مواردی استثنایی برای آمریکایی‌ها اولویت نسبتاً اندکی داشته نه به این معنا که اهمیت نداشته باشد. انتخابات ۲۰۲۴ اما دست بر قضا به واسطه جنایات وحشتناک جنگی در غزه یکی از آن استثناهایی شده که سیاست خارجی نقش پررنگی مثل جنگ ویتنام و عراق ایفا می‌کند. ۴ نفر از هر ۱۰ بزرگسال ایالات متحده، سیاست خارجی را به عنوان یکی از پنج موضوعی نام می‌برند که از دولت خواسته‌اند در سال ۲۰۲۴ روی آن کار بیشتری انجام دهد. میزان این علاقه از سال گذشته دو برابر شده است که نشان دهنده چالش‌های بین‌المللی اجتناب‌ناپذیری است که منافع آمریکا را تهدید می‌کند. از جمله مسائلی که بر روابط ترانس آتلانتیک هم تأثیر می‌گذارد.

ترامپ چه می‌گوید؟ او شعار «عظمت را به آمریکا بازگردانیم» در بیرون از مرزهای آمریکا را به گفتمان پایان جنگ ترجمه می‌کند، چه در اوکراین چه جنگ خونبار غزه او وعده می‌دهد

ایران و آمریکای ترامپ؛ اقتصاد به کدام سمت خواهد رفت؟

محمد امینی رعیا



این محدودیت باعث می‌شود که از بین بردن تحریم‌ها دشوارتر شود. زیرا تحریم‌کنندگان توانسته‌اند با تغییر نحوه مبادلات بین‌المللی کشور، هزینه‌های تجارت و ریسک‌های آن را بالا ببرند و راه رسیدن به شرایط پایدار تجاری را برای ایران مسدود کنند. بنابراین، آنها به راحتی از تحریم‌ها دست برنمی‌دارند. تحریم‌ها فقط زمانی لغو می‌شوند که مسئله مهم غیررسمی بودن تبادلات مالی برطرف شود.

در شرایط تحریم، رسمیت بخشیدن به نظام پرداخت بین‌المللی کار آسانی نیست و تنها با «انطباق نقشه ارزی و تجاری» کشور امکان‌پذیر است. یعنی باید واردات از کشورهایی باشد که ایران به آنها صادرات دارد و صادرات نیز به کشورهایی که ایران از آنها واردات می‌کند، انجام شود.

بامه‌انگ شدن این نقشه، یک نوع «تجارت تهاتری کلان» شکل می‌گیرد که فرآیندهای مالی آن در چارچوب‌های دوجانبه مدیریت می‌شود و نیازی به بانک‌ها یا سیستم‌های مالی تحریم‌کنندگان نیست. این کار باعث می‌شود که امکان رسمیت بخشی به نظام پرداخت بین‌المللی ایران فراهم شود و اثر منفی تحریم‌ها به طور پایدار کاهش یابد.

نقطه قوت ایران: صنایع قدرتمند داخلی

اقتصاد ایران در طول ۱۰ سال تحمل تحریم و فشارهای اقتصادی همچنان یکی از نقاط قوت خود را حفظ کرده و حتی تقویت کرده است که عبارت است از صنایع داخلی قوی و ظرفیت‌های خالی که می‌توان از آنها استفاده کرد. این موضوع اهمیت زیادی دارد، زیرا هر برنامه‌ریزی برای آینده کشور باید به این صنایع توجه کند. برای آینده، باید یک «سیاست صنعتی» مشخص داشته باشیم که بر روی یک یا چند صنعت خاص تمرکز کند. این برنامه باید به گونه‌ای طراحی شود که تمام مراحل، از تامین مواد اولیه تا فروش و صادرات، در نظر گرفته شود و یک زنجیره کامل تولید ایجاد کند. صنایع کارخانه‌ای به دلیل توانایی در ایجاد شغل و امکان مشارکت بازیگران مختلف، در اولویت قرار دارند.

در میان این صنایع، دو صنعت بسیار مهم و راهبردی وجود دارد که هم ظرفیت خوبی در کشور دارند و هم قابلیت صادرات و ارزآوری دارند. یکی از آنها صنایع غذایی است که با مواد اولیه کشاورزی شروع می‌شود و دیگری صنایع لوازم خانگی است که با مواد اولیه معدنی آغاز می‌شود. برای اینکه بتوانیم در دنیا نقش موثری ایفا کنیم، نیاز به یک صنعت قوی و قابل اعتماد داریم که محصولاتش بتواند به بازارهای مختلف دسترسی پیدا کند و حول آن بتوانیم برنامه‌ریزی کنیم بدون این صنعت قوی، هرگونه تلاش برای تاثیرگذاری ممکن است نتیجه‌ای نداشته باشد.

فرصت‌های پیش روی ایران: موقعیت جغرافیایی و چند قطبی شدن قدرت در جهان

یکی از فرصت‌های مهم ایران که هنوز از آن به خوبی استفاده نشده، موقعیت جغرافیایی کشور است. ایران در چهارراهی قرار

بحث درباره بازگشت ترامپ به ریاست‌جمهوری آمریکا و تأثیر آن بر اقتصاد ایران با مشخص شدن نتایج انتخابات آمریکا دوباره داغ شده است. برخی معتقدند که این بازگشت می‌تواند با تحریم‌های جدید و فشارهای بیشتر، موجب افزایش نرخ ارز و بحران اقتصادی در ایران شود. در مقابل، برخی دیگر بر این باورند که دیگر تحریم جدی‌ای وجود ندارد که بخواهد اوضاع را تغییر دهد.

همزمان با این مباحث، این سؤال هم مطرح است که ایران چگونه می‌تواند در نظام جدید جهانی نقش آفرینی کند و از فرصت‌های جهان چندقطبی استفاده کند. برخی از کارشناسان، ایران را در این زمینه پیشرو می‌دانند و تأثیر آن در محور مقاومت را نیز مهم می‌دانند، در حالی که برخی دیگر معتقدند ایران در حال از دست دادن فرصت‌هاست.

با وجود این تحلیل‌ها، آینده به نحوه برخورد ما با موضوعات و چالش‌های بین‌المللی بستگی دارد؛ اینکه آیا فعالانه عمل می‌کنیم یا نه؟ در ادامه به تجزیه و تحلیل شرایط بین‌المللی ایران پرداخته می‌شود و راهکارهایی برای نقش آفرینی در نظم جدید جهانی بیان خواهد شد.

تهدیدهای پیش روی ایران: وابستگی نفتی به چین و وابستگی غذایی به آمریکا

یکی از تهدیدهای کلیدی برای ایران، وابستگی کامل به چین در فروش نفت است. فروش نفت افزایش یافته، اما این به دلیل تغییر در روابط ایران با چین است که در دولت سیزدهم به سمت همکاری بلندمدت رفته است. این تغییر، بیشترین تأثیر را روی فروش نفت به چین گذاشته است. اما این وابستگی باید به گونه‌ای مدیریت شود که به وابستگی خطرناک تبدیل نشود.

تهدید دیگر، وابستگی بیش از ۹۰ درصدی واردات غذای اساسی به روش‌های تجاری تسویه ارزی وابسته به آمریکا است. این وابستگی به این معنا نیست که فقط از دلار در این مسیر استفاده می‌شود، بلکه به ارزهای وابسته به دلار مانند یورو و درهم نیز مربوط می‌شود. این وابستگی به آمریکا در تامین غذای اساسی، نقطه ضعف اصلی ایران است.

در نهایت، برای اینکه ایران بتواند در نظم جدید بین‌المللی نقش آفرینی کند، باید وابستگی‌هایش را از حیث اقتصاد و غیر آن متوازن کند و به گونه‌ای عمل کند که اهرم قدرت‌های جهانی به نفع خود استفاده کند.

نقطه ضعف ایران: نظام پرداخت غیر رسمی و تراستی

یک مشکل بزرگ کشور در تعاملات بین‌المللی در سال‌های اخیر، نحوه انتقال پول در سیستم‌های غیررسمی و تراستی است. این سیستم نه تنها ریسک بالایی دارد، بلکه هزینه‌های تجارت ایران را حداقل ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش می‌دهد و این هزینه‌ها به شکل دائمی شده‌اند. تا زمانی که انتقال پول از این راه‌های غیررسمی انجام شود، ایران نمی‌تواند روش‌های بهتری برای تسویه ارزی پیدا کند یا ابتکار عمل داشته باشد.

فروش نفت

صادرات بخشی از نفت به کشورهای دارای ظرفیت در ازای واردات کالای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع هدف یا واردات کالای اساسی

تغییر مبدا خرید مستقیم یا غیرمستقیم کالای اساسی به کشورهای مقصد صادرات نفت ایران

تهاتر نفت، فرآورده‌های نفتی و محصولات پتروشیمی با کالای اساسی در همکاری با کشورهای تولیدکننده

ایجاد بسته‌های جایگزین نهادهای متعارف دام و طیور بر اساس «ظرفیت تولید نهادهای قابل جایگزینی در داخل کشور»

مبتنی بر اقلیم و نژادهای هدف دام و طیور به منظور کاهش وابستگی به واردات کالای اساسی

انطباق نقشه ارزی و تجاری کشور با هدف دستیابی به تراز تجاری با شرکای بین‌المللی

ایجاد بستر انجام مبادلات مالی بین‌المللی به صورت دوجانبه و چندجانبه با امکان صدور اسناد رسمی برای تجارت فیما بین

مبتنی بر تراز تجاری با شرکای بین‌المللی

تعیین چند صنعت کارخانه‌ای، صادراتی و پیشران جهت حمایت متمرکز، زمان‌دار و برنامه محور از آن با محوریت شرکت‌های بزرگ مقیاس به عنوان راهبر با قید بکارگیری

شرکت‌های کوچک و متوسط در زنجیره تولید

ایجاد امکان واردات موقت مواد اولیه جهت فرآوری با استفاده از ظرفیت‌های صنعتی داخلی و صادرات در صنایع هدف و تعریف

همکاری چندجانبه با کشورهای دارای مزیت مبتنی بر آن به منظور ایجاد زنجیره ارزش فرامرزی

تکمیل و بهره‌برداری از خطوط ریلی ترانزیتی و زیرساخت‌های تجاری با محوریت صنایع هدف و کشورهای دارای مزیت از طریق

تعریف انتفاع متقابل حول زنجیره ارزش صنعتی

هدایت اعتبارات بانکی به صنایع و پروژه‌های هدف از طریق ایجاد بستر، تعیین قواعد و حدود اعتباری و همسوسازی منافع فعالان اقتصادی و بانک‌ها.

یک فرصت مهم دیگر که بارها در کشور به آن اشاره شده، تغییر نظم بین‌المللی و چند قطبی شدن جهان است. در گذشته، صرفاً آمریکا و کشورهای غربی قدرت را در دست داشتند، اما حالا قدرت‌ها بیشتر و متنوع‌تر شده‌اند.

چین و روسیه به‌عنوان دو قدرت جدید به این معادله اضافه شده‌اند که هر کدام نماینده یک نوع فرهنگ و تمدن خاص هستند. ایران نیز به خاطر فعالیت‌هایش در زمینه نظامی و سیاسی و حمایت از دیگر کشورها، می‌تواند به عنوان یک قدرت جدید در نظم جهانی جدید قدرت نمایی کند.

برای استفاده از این فرصت، ایران باید بتواند روابط خود را با قطب‌های موجود (آمریکا، چین و روسیه) به گونه‌ای متعادل برقرار کند. این یعنی نباید به هیچ کدام از این کشورها وابسته باشد. در واقع باید وابستگی در حوزه‌های مختلف بین قطب‌های جدید جهانی تقسیم شود یا تبدیل به وابستگی متقابل شود. همچنین ایران باید توانایی خود را در زمینه‌های نظامی و سیاسی و همچنین اقتصادی و اجتماعی در محور مقاومت افزایش دهد.

راهبردهای کلان برای نقش آفرینی در نظم جدید جهانی

در این راستا مبتنی بر تحلیل انجام شده، راهبردهای زیر باید در دستور کار کلان دولت برای تقویت اقتصاد ایران قرار گیرد:

فروش نفت در چارچوب رسمی با امکان ایجاد حساب رسمی و صدور فاکتور در تجارت فیما بین و بهره‌برداری از عواید حاصل از انباشت منابع آن برای تامین مالی پروژه‌های دارای آورده ارزی کشور

ایجاد وابستگی متقابل از طریق «تامین بخشی از کالای اساسی» و «پیامانکاری پروژه‌های دارای آورده ارزی» در ازای

تعریف اشتباه از رمزارز؛ دخالت نابجای دولت رارقم زده است

پوریا استرکی - محمدرضا شرفی



استرکی با اشاره به اینکه جوانان متخصص کشورمان بخش‌های زیادی از فناوری بلاکچین را بومی سازی کردند یادآور شد: دونالد ترامپ سال ۱۳۹۷ برای فشار حداکثری به ایران لیستی از تهدیدات را به واسطه استفاده‌های احتمالی ایران از رمزارزها تهیه کرد و بخش‌هایی از حاکمیت هم تمام اینها را بدون استثنا تهدید فرض نمود و کشور را محروم کرد و در جاهایی که باید وارد قانون گذاری نشد.

سردبیر مجله بلاکچین در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: دولت سیزدهم لایحه بسیار پیشرویی را از نظر مطابقت با قوانین ملی و بین‌المللی در این حوزه تنظیم کرده بود که به دلیل کارشناسی‌ها به مجلس نرسید اما الان خوشبختانه به عنوان یک طرح در مجلس در حال پیگیری است.

در ادامه برنامه، مهندس محمدرضا شرفی کارشناس و فعال حوزه رمز ارز اظهار کرد: رمزارزها ابزار جدیدی برای انتقال ارزش مورد استفاده قرار می‌گیرند. ما چندین نسل شاهد ابزارهای مالی و مراوداتی مختلف بودیم و به نظر می‌رسد این آخرین نسخه‌ای است که با آن روبرو هستیم.

وی با بیان اینکه رمزارزها دسته بندی و کارکردهای متفاوتی دارند افزود: حوزه رمزارزها شامل دو قسمت است؛ یک قسمت همان سکه و کوین است که نقش پول را بازی می‌کند و قسمت دوم هم توکن و ارزش قابل انتقالی است که در یک ساختار و یا پروژه به عنوان سهام جایجا می‌شود.

کارشناس و فعال حوزه رمز ارز متذکر شد: اکثریت ابزارهایی که در این حوزه تعریف شدند نقش انتقال ارزش را ایفا نمی‌کنند اما متأسفانه به دلیل فرهنگ سازی اشتباهی که صورت گرفته، همه را با یک نگاه می‌نگریم.

شرفی به تفاوت بین کوین و توکن اشاره و بیان کرد: کوین‌ها کار انتقال ارزش را انجام می‌دهند، ساختار عمومی دارند و اکثریت آن‌ها پروژه‌های زیربنایی بلاکچینی هستند اما

پوریا استرکی سردبیر مجله بلاکچین و فعال و کارشناس حوزه رمزارز در مصاحبه با برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو پیرامون موضوع چالش‌ها و الزامات استفاده از رمزارز در معاملات گفت: پول ابزار تبادل است اما رمزارزها به عنوان یک ابزار تبادل و به صورت شایع در مبادلات دنیا مورد استفاده نیستند و بیشتر برای نگهداشت ارزش استفاده می‌شوند.

وی با بیان اینکه رمزارز در ایران نمی‌تواند در معاملات مورد استفاده قرار گیرد افزود: اگرچه رمزارز می‌تواند مزایای زیادی داشته باشد اما در کشور ما نه در عمل این اتفاق افتاده و نه قانون این اجازه را می‌دهد.

کارشناس و فعال حوزه رمزارز خاطر نشان کرد: «بیت کوین» به ادعای سازنده و طرفدارانش اولین پول دیجیتال رمزنگاری شده در تاریخ است. یک سری اتفاقات در اقتصادهای بزرگ دنیا و چندین دوره رکودهای شدید و مسائل اقتصادی در آمریکا منتج به این شد که بعد از سال‌ها تلاش برای ساخت چنین پولی، بیت کوین معرفی شود. منطق ریاضی و فلسفی بیت کوین تا حدی قدرتمند است که این پروژه برخلاف پروژه‌های شکست خورده دیگر موفق شد و الگو قرار گرفت.

استرکی افزود: بعد از بیت کوین، «تریوم» بود که قراردادهای هوشمند روی آن تعریف شد و قراردادهای هوشمند هم دارایی و پول قابل برنامه‌ریزی را به دنیا معرفی کرد. این دو پروژه به طور خاص نقطه عطف محسوب می‌شوند و بقیه پروژه‌ها اشتقاقی از این دو هستند.

سردبیر مجله بلاکچین تصریح کرد: برخی برخوردها در کشور مثلاً از طرف بانک مرکزی با رمز دارایی‌ها بر اساس این تعریف اشتباه صورت گرفته که اینها پول (رمز ارز) هستند و همین تعریف اشتباه، بهانه‌ای برای دخالت‌های نابجا ایجاد کرده است.

وی با اشاره به اینکه تجارت بین روسیه و چین قبل از جنگ اوکراین ۱۴۰ میلیارد دلار بود اما هم اکنون با ۷۰ درصد رشد به ارزش ۲۵ میلیارد دلار رسیده که کاملاً هم بدون دلار انجام می‌شود افزود: بریکس برای پیش بردن هدف دلارزدایی و استفاده از ارزش‌های دیگر برای تبادلات تجاری حتماً روی بلاکچین تمرکز خواهد کرد و بنابراین حداقل یک رمزارز درست می‌شود.

توکن‌ها در هر پروژه روی ساختارهای زیربنایی تعریف می‌شوند و بر اساس خدماتی که در جامعه ارائه می‌دهند و ارزشی که ایجاد می‌کنند ارزش می‌گیرند.

وی در پاسخ به این پرسش که هسته مرکزی بیت کوین در کجا شکل گرفته و تابع چه قوانینی است گفت: روش‌های نوین مالی به تدریج جایگزین روش‌های سنتی‌تر شدند. ما ابتدا معاملات پایاپای را داشتیم، در دوره بعد بانکها مسئولیت حفظ دارایی ما و پاسخگویی در قبال آن را داشتند. پس از آن دوره بانکداری دیجیتال شدیم و بعد از آن هم با ایجاد عابربانک‌ها مسئولیت‌های شخصی در بخش امنیتی و حفظ دارایی افراد افزایش یافت.

کارشناس و فعال حوزه رمز ارز در ادامه با بیان اینکه در حوزه رمزارزها باید مسئولیت فردی را بی‌پذیریم افزود: مسئولیت حاکمیت و افراد به این حوزه ۱ به ۹ است و بیشترین مسئولیت با خود افراد است.

سلبریتی‌ها انتخابات را به ترامپ باختند زخم کاری به فرهنگ شهرت

ایمان عظیمی



بازنده‌ای هم در این میان وجود داشت که پیروان مسیحیت انجیلی و طبقات فرودست ایالات متحده بخشی از آن به‌شمار می‌رفتند.

«دولت» اُسُطوره‌ای که پایان یافت

در دهه ۱۹۱۰ میلادی، اغلب آثار هالیوودی برای خوشامد مخاطبان فقیر و مهاجر روانه سالن‌های سینما می‌شد. فیلم‌هایی مانند «مهاجر» (چارلی چاپلین؛ ۱۹۱۷) و ایضا آثار وسترن توأم با یکدیگر بحث ملت‌سازی در آمریکا را پیش کشیدند و در راه ترویج ارزش‌هایی نظیر «خانواده»، «مذهب»، «میهن‌پرستی» نهایت تلاش خود را به انجام رساندند. حتی ردهای سیاسیون هم برای پالوده نگاه داشتن جامعه آمریکا از گزند ضدارزش‌ها و ضدهنجارها با اجرای «نظامنامه تولید تصویر متحرک» در سال ۱۹۳۴ به اوج خود رسید و «ویلیام هریسون» طراح این قانون اخلاقی را به اوج محبوبیت در میان پیروان آئین مسیحیت و جامعه سفیدپوستان آمریکا رساند. اما پیروزی نسبی «جنبش حقوق مدنی آمریکا» در سال ۱۹۶۸ همه چیز را در شرف تغییر قرار داد؛ از این پس بازیگران رنگین‌پوست برای بازی در فیلم‌های هالیوودی دارای سهمیه شدند و روند جهانی کردن ارزش‌های آمریکایی آغاز شد. این آغازی بر پایان اسطوره دولت‌گرایی در هالیوود بود.

مخاطب خواهان «تغییر واقعی» است

«تفلیکس» بزرگ‌ترین پلتفرم vod در جهان است و زمین بازی صنعت سرگرمی را به تابعی از تصمیمات خود بدل کرده است. آن‌ها با دمیمن بر فعالیت‌های خانمان‌سوز جنبش‌های عجیب و غریب جنسی و تولید محتوا برای آن‌ها و همچنین پول‌سازی برای کارگران خود، یعنی همان سلبریتی‌ها به جنگ فرهنگی میان دو ایده دامن زده است. در یک طرف قضیه گلوبالیست‌ها و در سوی دیگر ماجرا طیفی از محافظه‌کاران و بوم‌گرایان – که البته آن‌ها نیز از حمایت شرکت‌های بزرگ تجاری در خاک آمریکا برخوردارند – قرار دارند که دائم با هم بر سر گرفتن سهم بیشتری از کیک ایالات متحده گلاویز می‌شوند. مخاطبان اما سوای این دعوای خواهان یک تغییر واقعی‌اند و این را با انتخاب‌هایشان در سینما نشان داده‌اند. در سال‌های گذشته بر حجم ترافیک فیلم‌های ابرقهرمانی افزوده شده و آثاری مثل «انتقام‌جویان»، «جنگ ستارگان: ۲۰۱۵» و «تاپ‌گان: موریس» عموماً در صدر جدول گیشه قرار گرفته‌اند. این یک پیام واضح و روشن برای بازیگران اصلی سیاست در آمریکاست و نشان می‌دهد مردم برخلاف سلبریتی‌های بی‌کارکرد به دنبال اشخاصی می‌گردند که شبیه آن‌ها باشند و تصویر «مردم فراموش شده» را بازنمای کنند. حتی اگر این رویه به نفع دیوانه‌های غیرقابل پیش‌بینی و انتخاب او به‌عنوان رئیس‌جمهور تمام شود. به‌قول «هانس اشپربر» رمان‌نویس اتریشی – فرانسوی «از وقتی مسیحیت پیروز شده، تنها یک‌سال بدون جنگ گذشته است.» و مردم یکنه دنیا هم فارغ از نتایج مخرب احتمالی به یک دیوانه و سرسپرده اوانجیلیست رأی داده‌اند. اما باید این نکته را در نظر داشت که ترامپ از آثار بی‌توجهی به فرهنگ آمریکاست و نه نسخه پیروزی‌بخش آن.

شمردن بخش مهمی از جامعه آمریکا – که حتی در نظرسنجی‌های رسانه‌های اصلی متمایل به جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها هم نقش فعال آن‌ها دست‌کم گرفته می‌شود – آثار زیادی در پی دارد که فقط نوک کوه‌یخ آن در انتخابات‌ها و بازی‌های اینچینی نمایان می‌شود.

قمار، برد و باخت دارد

این فقط سلبریتی‌ها نبودند که از تمام توان‌شان برای رأی آوردن کاملاً هریس استفاده کردند، بلکه مقاطعه‌دهندگان جدید و قدیم آن‌ها، یعنی کمپانی‌های هالیوودی و مدیران‌شان حساسی برای رأی آوردن نامزد دموکرات‌ها تلاش کردند. به گزارش فورس، ۸۸ کارآفرین و رهبر تجاری در آمریکا با ارسال نامه‌ای به کمپین انتخاباتی هریس و تیم والز پیوستند و بیان کردند برای رأی آوردن او تلاش می‌کنند. «جیمز مرداک»، فرزند «روبرت مرداک» مؤسس «شبکه رسانه‌ای فاکس» بر خلاف پدرش – که به سرسختی در محافظه‌کاری شهره است – از هریس حمایت کرد. نام‌های دیگری همچون «جف بیوکس»، مدیرعامل سابق تایم وارنر، «بری دیلر»، مدیرعامل سابق پارامونت پیکچرز و «مایک لینتون»، مدیرعامل سونی اینترتیمنت از جمله حامیان هریس بودند که بی‌هیچ واهمه‌ای نام خود را در سیاهه مشتاقان دومین زن نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برای ورود به کاخ سفید قرار دادند، اما قمار همیشه دو طرف بازنده و برنده دارد و این بار بخت با آن‌ها همراه نبود. امواجی که ممکن است وضعیت سیاسی کشورها را تغییر دهد صرفاً بر مبنای واقعیت‌های بر ساخت شده توسط غول‌های رسانه‌ای و حجم پولی که به این وسیله به آن‌ها تریب می‌شود، نیست که اگر بود دنیا همیشه به کام طیف قدرتمندتر هالیوود می‌چرخید و هسته مقاومت هم از چرخه زیست عادی مردم جهان خارج می‌شد.

اما هالیوود از چه زمانی به فکر گسترش فعالیت‌های خود در فرای مرزهای جغرافیایی افتاد؟ صنعت سینمای آمریکا تقریباً پس از طی کردن سال‌های آغازین، از سال ۱۹۱۴ به فکر گشودن ایده‌های جهانی بود. آن‌ها در ابتدا به‌خاطر کاهش هزینه‌های تولید به فکر پخش فیلم در همسایه شمالی خود، یعنی کانادا افتادند و به مرور وسعت این فعالیت‌ها را با اتخاذ سیاست‌های توزیعی دقیق برعهده گسترش دادند. بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ بود که ژاپن و اروپا به‌عنوان مقصدی برای آثار هالیوودی در نظر گرفته شدند و بازار فیلم کشورهای هدف را نشانه گرفتند. یکی از اولین دلایل باز شدن بازارهای بین‌المللی فیلم را می‌توان نقش سرمایه‌گذاران خارجی در به حرکت درآوردن چرخ‌دنده‌های اقتصاد آزاد دانست. نتایج به‌گونه‌ای رقم خورد که در شروع دهه ۱۹۸۰ میلادی، اداره شرکت‌های بزرگ هالیوودی نظیر «کلمبیا پیکچرز»، «یونیورسال» و «سونی» به دست سرمایه‌گذاران خارجی افتاد و روند تولید آثار آمریکایی در ژانر بومی این سینما، یعنی وسترن را رفته‌رفته کند و در نهایت نابود کرد. در نتیجه این اقدامات بود که درست در اواخر دهه ۱۹۹۰ میلادی کفه دستاوردهای مالی هالیوود در خارج از مرزهای آمریکا بسیار سنگین‌تر از داخل مرزها شد و سهمش در بازارهای بین‌المللی فیلم در مجموع به ۷۵ درصد رسید. ارتباط کمپانی‌های هالیوود با شرکای غیرآمریکایی خود همچون جاده‌های یک‌طرفه بود. آمریکایی‌های برای آن‌ها تولید محتوا می‌کردند و در عوض نسبت به فرهنگ استعماری سفیدپوست‌ها در داخل مرزها بی‌تفاوت بودند، ضربه اساسی این بی‌تفاوتی و دهن‌کجی به بزرگ‌ترین طیف‌های شکل‌دهنده «ایالات متحده آمریکا» بی‌جواب نماند و آثار مخربش را برای اولین بار در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا نشان داد. ظهور کانال‌های تلویزیونی پولی در دهه ۱۹۹۰ میلادی در اروپا این اجازه را به هالیوود داد که نه‌تنها از نظر مالی پیشرفت کند، بلکه حتی سریع‌تر از آنچه پیش‌بینی می‌شد به مخاطبان بسیار زیادی در سطح دنیا دست یابد، ولی این یک بازی برد-برد نبود و طرف

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا برگزار شد و دونالد ترامپ با شکست نامزد دموکرات‌ها برای مرتبه دوم به کاخ سفید راه یافت. دلایل شکست کاملاً هریس به موارد گوناگونی بازمی‌گردد که ما در اینجا فقط به یک مورد اساسی آن نگاه می‌اندازیم. پدیده «سلبریتی» در حکم یک سد مستحکم دفاعی و حتی تهاجمی برای گلوبالیست‌ها و دموکرات‌های آمریکایی است. آن‌ها قصد دارند با استفاده از این موجودیت دنیا را تحت انقیاد خود درآورند و از راه کنترل «سلیقه» و «ذائقه» فضای سیاسی و فرهنگی دنیا را در مشت بگیرند. برای نمونه، حمایت تمام قد «تیلور سوئیفت»، خواننده و موزیسین ژانر کانتری و پاپ از کاملاً هریس این گمان را تقویت کرد که طیف زیادی از مردم آمریکا به سمت نامزد دموکرات‌ها گرایش نشان خواهند داد و او را به‌عنوان چهل‌وهفتمین رئیس‌جمهور ایالات متحده به دنیا معرفی می‌کنند اما تجربه سال ۲۰۱۶ ثابت کرد که پیروزی ترامپ در انتخابات تنها یک اتفاق نبوده و جبهه مقابل او دچار خطای شناختی‌اند، و گرنه از اتفاقات پیش درس می‌گرفتند و روی حمایت خواننده و بازیگر جماعت قمار نمی‌کردند. بحران هویت در آمریکا به دلیل حمایت‌های گاه و بی‌گاه شرکت‌ها و کمپانی‌های بزرگ از جنبش‌های نوظهور و هویت‌طلب جنسی و همچنین دست گذاشتن روی گسل‌های فرهنگی و تبعیض مثبت و گلخانه‌ای به نفع طیفی خاص از اجتماع رنگین‌پوستان سبب شده تا بخش اعظمی از مردم آمریکا عملاً از فرایند شرکت در امرسیاسی و سیاستگذاری فاصله بگیرند و با انتخاب آدم بدنامی همچون ترامپ نسبت به گردانندگان اصلی میزانش قدرت در کشور خود واکنش نشان دهند. در این گزارش با استفاده از نمونه‌های موجود به دلایل فرهنگی شکست سخت دموکرات‌ها در برابر محافظه‌کاران می‌پردازیم.

سلبریتی لخت است

تیلور سوئیفت به اندازه یک کشور ۲۸۳ میلیون نفری در اینستاگرام دنبال‌کننده دارد و به‌طور میانگین برای هر پستش در این رسانه نزدیک به ۶ میلیون لایک می‌گیرد. طبیعی هم به‌نظر می‌رسد که سیاستمداران یکنه دنیا بخواهند از این امکان بهره‌برند و سید رأی جناحی که به آن تعلق دارند را پر کنند ولی آیا این راه همچون مُسکنی که برای تسکین دادن به درد مورد استفاده قرار می‌گیرد و در اغلب اوقات هم جواب می‌دهد، قرار است گلوبالیست‌ها را به سر منزل مقصود برساند؟ جواب ما این است که عرصه سیاست و فرهنگ هیچ قرابت و نزدیکی‌ای به حوزه علوم تجربی ندارند و نباید هم انتظار این را از مردم و افکار عمومی داشت که مطابق آنچه در اتاق‌های فکر تعیین شده است، عمل کند. «تیلور سوئیفت» در راه حمایت از کاملاً هریس تنها نبود ولی نقش ویژه‌ای در این میان ایفا کرد، به‌طوری که براساس نظرسنجی «مورنینگ کنسالت» که نتایج آن در ماه مارس ۲۰۲۳ منتشر شد، تقریباً سه‌چهارم طرفداران تیلور سوئیفت سفیدپوست‌اند و از حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروی می‌کنند. پیش از انتشار پست تیلور سوئیفت در حمایت از هریس نیز یک‌سوم آمریکایی‌ها در نظرسنجی‌ها گفته بودند که نظر این خواننده ممکن است تصمیم آن‌ها را برای حمایت از یک کاندیدا تغییر دهد. اما شد آنچه نباید می‌شد و علی‌رغم تمام پیش‌بینی‌ها اسم هریس به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور زن از صندوق‌ها بیرون نیامد. پیروزی ترامپ در دوی ماراتن انتخابات آمریکا بدون اینکه خود او به‌طور قطع دارای خصوصیات لازم برای قرار گرفتن در این جایگاه باشد، نتیجه دستکاری فرهنگ عمومی توسط گردانندگان زمین بازی سیاست در ایالات متحده است. سلبریتی‌زایی و توجه بیش از حد به سبک زندگی بازیگران، ورزشکاران حرفه‌ای و خوانندگان ژانرهای پرفرودارتر موسیقی و ساخت یک پیامبر جعلی از ایشان یک‌شبه به‌وجود نیامد که یک‌شبه بخواهد از بین برود ولی همین مسئله تحمل شکست را برای دموکرات‌ها در دومین انتخابات مهم این سال‌هایشان، یعنی پس از انتخابات ۲۰۱۶ تبدیل به اتفاقی عادی و روزمره کرد. به عبارت دیگر، بی‌اهمیت



دل‌م نمی‌خواهد به هر قیمتی کارکنم

رضایاضی

«رضا فیاضی» کارگردان و بازیگر درباره اجرا نشدن نمایش «هادی و هدی و وروره جادو» گفت:

چندین بار قصد داشتم این نمایش را اجرا کنم ولی شرایط اجرای آن منتفی شد. یک خانم بی‌تجربه که ادعای دانشگاهی بودن داشت، برای تهیه‌کنندگی این نمایش پا پیش گذاشت و مدتی هم مشغول آماده‌سازی کار شدیم. او می‌خواست که من علاوه‌بر نویسندگی و کارگردانی، در نمایش هم بازی کنم اما اجرای تاسف‌برانگیز این بود که دستمزدی بسیار ناچیز برای هر سه مسئولیتی که قرار بود بر عهده بگیرم، در نظر گرفته بود که بی‌احترامی به من بود؛ به همین دلیل با ناراحتی، پروژه را متوقف کردم.

در این شرایط نمی‌توانم خودم هم پروژه را پیش ببرم چون شرایط، مانند گذشته نیست و بدون بودجه نمی‌توان کاری را شروع کرد. ضمن اینکه کمک‌هزینه تولیدات نمایشی هم حذف شده است، به همین دلیل از آن پروژه پا پس کشیدم.

اینکه کسانی مانند من یا آقایان رضا بابک و بهرام شاه محمدلو یا خانم برومند که عمری را برای ساخت آثار هنری کودکان گذاشته‌ایم، از این شاخه کنار رفته‌ایم، بیش از هر چیز به دلیل مسائل اقتصادی است در حالیکه شخصاً واقعا به اجرای کار علاقه‌مندم اما دل‌م می‌خواهد کاری با کیفیت بالا اجرا کنم نه اینکه به هر قیمتی نمایشی روی صحنه بیاورم، ایسنا

مکانیسم تاثیر سینما؛ حس ترحم

یکی از مهمترین مکانیسم‌های تاثیر سینما و شاید بشه گفت یکی از قویترین مکانیسم‌های تاثیر؛ حس ترحم و سپس هم‌دردی هستش. وقتی فیلمساز کاری میکنه مخاطب نسبت به سوژه احساس ترحم کنه، دیگه گارد مخاطب کاملاً میاد پایین. گاهی این اتفاقات و اشک تماش از مصائب درست هستش و گاهی از دروغ‌هایی مثل هلوکاست توی فیلم فهرست شیندلر.

شاید عده ای فکر کنند این مکانیسم پیش پا افتاده‌است، اما اینطور نیست. گاهی در برخی فیلم جنایتکارهای بزرگی، دست به قتل شکنجه و غارت و دزدی میزنند، اما تمامی افعال اون‌ها با نشون دادن ظلمی که بهشون شده، سفیدشویی میشن. مثل فیلم جوکر و حتی شیطان‌هایی که توی انیمه شیطان‌کش (demon slayer) هستند.

چندین سال هستش با فیلم‌هایی مثل همین پانیست و فهرست شیندلر و امثالهم دارند برای یهودیا ترحم میخرند و طی این فرآیند؛ یهودیان هم خودشون رو مستحق این میدونند که عقده این همه سال ظلم رو در بیارند.

ولی منطقا هرچقدر هم فرد مورد ظلم واقع شده باشه، حق ظلم کردن واسه رسیدن به هدفش رو نداره! اینطوری توی سینما جای جلا و قاتل عوض میشه و ما دوست نداریم شخصیت منفی فیلم که قهرمان داستانه شکست بخوره!

جنگ ستارگان در قالب سه‌گانه بازمی‌گردد

سایمون کینبرگ، کارگردان با همکاری استودیو لوکاس فیلم در حال ساخت یک سه‌گانه جدید از «جنگ ستارگان» است. ساخت این سه‌گانه جدید هنوز در مراحل اولیه است و مشخص نیست چه زمانی به مرحله تولید برسد.

پس از «جنگ ستارگان: ظهور اسکای‌واکر» با بازی دیزی ریذلی، جان بوئیگا، آدام درایور و اسکار آیزاک، قرار است مجموعه جدید با شخصیت‌های جدید آغاز شود. این فیلم‌ها داستانی را ادامه می‌دهند که جورج لوکاس با «یک امید جدید» در سال ۱۹۷۷ شروع کرد و در آن مارک همیل با نقش لوک اسکای‌واکر، هریسون فورد با نقش هان سولو و کری فیشر با نقش پرنسس لیا ظاهر شدند.



نخستین اثر هنری که توسط یک ربات انسان‌نما خلق شده، در حراجی که روز پنجشنبه در نیویورک برگزار شد به قیمت ۱ میلیون دلار فروخته شد.

زمانی که این اثر هنری در حراجی «ساتبیز» به مزایده گذاشته شد، ۲۷ پیشنهاد خرید دریافت و در نهایت به قیمتی فراتر از پیش‌بینی‌ها فروخته شد. پیش‌تر ارزش این اثر بین ۱۲۰ هزار تا ۱۸۰ هزار دلار برآورد شده بود.

مدیریت فضای مجازی، نیازمند دانش فلسفه است

عبد الله صلواتی_ ابراهیم معظمی

نشست علمی - به موضوع «خیال به مثابه ساحت وجودی و فضای مجازی» توسط مرکز مطالعات فضای مجازی و اندیشکده حکمرانی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (در راستای همایش ملی تنظیم‌گری فضای مجازی) با حضور جمعی از اساتید و پژوهشگران بصورت حضوری و مجازی برگزار شد. در شانزدهمین پیش نشست همایش ملی تنظیم‌گری فضای مجازی دکتر عبدالله صلواتی (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی) به عنوان ارائه دهنده و آقای دکتر ابراهیم معظمی گودرزی (پژوهشگر فرهنگی) به عنوان ناقد حضور داشتند. دبیری علمی این نشست نیز بر عهده دکتر محمد محمدی‌نیا (عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی) بود.

عبدالله صلواتی با اشاره به اهمیت تفکیک بین مرز خیال و واقعیت و اشتباهاتی که در ساحت مختلف در این گستره شاهد هستیم، اظهار کرد: ما در این عرصه اشتباه راهبردی داریم و این رویکرد را به وضوح در بحران‌های مختلفی که در کشور خودمان و کشورهای دیگر اتفاق می‌افتد نظاره‌گر هستیم و اساسا برخی از بحران‌های اجتماعی و رخدادهایی که در دوره‌های اخیر اتفاق افتاده موید این مساله است؛ برای مثال قبل از اینکه یک اتفاق سیاسی در کشوری رخ دهد آن را در فضای مجازی هایلایت می‌کنند و به عنوان نمونه، کاربرد در فضای مجازی به سرعت به این نتیجه می‌رسد که کشور در حال سقوط است چراکه اطلاعات و تصاویری که در فضای مجازی ارایه شده با خیال این کاربر بازی کرده و مرز بین خیال و واقعیت را مخدوش کرده و به تعبیر پدیدارشناسی این کاربر را دچار فروپاشی «نوئما» کرده است.

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی ادامه داد: در حوادث ۱۴۰۱ و فضای قبل و بعد شاهد بودیم که در فضای مجازی حرف از فروپاشی بود اما وقتی که در جهان پیشامجازی نفس می‌کشیدیم و شواهد و قرائن را رصد می‌کردیم، می‌دیدیم که اساسا خبری از فروپاشی نیست و این حاصل سردرگمی شناختی و تضعیف مدام و مستمر مرز بین خیال و واقعیت است؛ همچنین در پی این قضیه یعنی تضعیف مرز بین خیال و واقعیت و شکل‌گیری اضطراب، یک سری نمادهایی در عرصه‌های اجتماعی-فرهنگی خلق می‌شود از جمله کمپین‌های تبلیغاتی که باعث می‌شود باورهای جدید شکل بگیرد و در پی این باورها سبک زندگی خاص اتفاق بیفتد.

صلواتی افزود: اگر بخواهیم عمیق‌تر به این ماجرا نگاه کنیم و طرح‌واره‌هایی سازگار و ناسازگار در ما شکل بگیرد و از سوی دیگر انگاره‌ها و استعاره‌های مفهومی و به تعبیر پدیدارشناسانه نونماهای متفاوتی در کاربر شکل بگیرد تمام شبکه معرفتی و زندگی کاربر بر اساس احکام آن نونما شکل گرفته و دیگر کاربر از منطقه واقعیت نقل مکان کرده و به منطقه نونمای زندگی خودش رفته و همه چیز را بر اساس آن نونماهای ذهنی ارزیابی می‌کند و مداوم دچار اشتباه محاسباتی در خصوص واقعیت می‌شود.

این پژوهشگر تصریح کرد: همچنین بحث منطق بازار و مسائلی از این دست از جمله ترکیب رنگ‌ها و سناریوهای رویایی و رماتیک که کاربران را در شرایط مطلوبی از خودشان قرار می‌دهند نیز مطرح است، یعنی کاربر خود را در آن فضا تخیل می‌کند و بعد سراغ خرید یا انجام آن کار می‌رود، همه این موارد به یک نوع منطقه خیال کاربر را نشانه می‌رود و با این منطقه کار دارد، لذا بسیاری از باورها و ادراکات و طرح‌واره‌ها و استعاره‌های مفهومی در منطقه خیال خیمه‌زند و علی‌القاعده فضای مجازی با نشانه رفتن این منطقه بخش عظیمی از ساحت انسانی را نشانه رفته و با آن کار دارد و طبیعتا مدیریت خیال، مدیریت بخش عظیمی از فضای مجازی و حکمرانی در فضای مجازی است.

وی ادامه داد: غرض از اشاره به این مطلب از آن جهت بود تا از دریچه تفسیری که ملاصدرا از دریچه خیال دارد وارد مدیریت بحث فضای مجازی و حکمرانی این فضا شویم؛ بسیاری از افراد وقتی در مبحث خیال به ملاصدرا می‌رسند نهایت تفاوتی که بین مولفه خیال از نظر ملاصدرا و خیال نزد سایرین تا پیش از او و مثلا کسانی چون ابن‌سینا قائل می‌شوند در این حد است که ملاصدرا خیال را مجرد می‌داند اما ابن‌سینا به صورت سیستمی قوه خیال را مجرد نمی‌داند هر چند که بوعلی در مواضع بسیار اندکی به صورت ضمنی بحث تجرد خیال را مطرح کرده است و یا اینکه تفاوت دیگری را مطرح می‌کنند و آن طرح خیال متصل در آدمی است و آن را متفاوت می‌کند؛ یعنی ملاصدرا با این دیدگاه از خیالی که سهروردی تصویر می‌کند، متفاوت می‌شود.

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی گفت: سهروردی، خیال منفصل را مطرح می‌کند که مابین عالم مئل و طبیعت قرار داشته و صور خیالی در آنجا قرار دارند و آدمی با آن عالم ارتباط می‌گیرد اما ملاصدرا افزون بر این خیال منفصل،

خیال متصل را هم مطرح می‌کند و نهایتاً تفاوت میان خیال در ملاصدرا و خیال در میان حکمای دیگر در همین حد است اما واقع امر آن است که خیال در ملاصدرا تفاوت بنیادینی با خیال در حکمای پیشین دارد.

صلواتی در راستای مباحث فوق تصریح کرد: به طور مثال خیال در ابن‌سینا قوه است و انبار صورت‌هایی است که از حس مشترک می‌آید، لذا قوه‌ای که کارش حس باشد، مُدرک نیست اما در مورد ملاصدرا و دیدگاه او نسبت به خیال علاوه بر اینکه می‌توانیم بحث حس را نسبت دهیم، از سوی دیگر این خیال در اندیشه او مُدرک هم هست و قدرت ادراک و انشاء دارد، این مساله را ملاصدرا در مواضع مختلف از جمله در کتاب «مفاتیح‌الغیب» نیز مطرح می‌کند و نکته بسیار مهمتر از این نکته که در ابتدا اشاره کردم، این است که در ملاصدرا خیال، ساحتی از وجود است که وضعیت میان‌بودگی دارد یعنی میان حس و عقل است نه اینکه قوه‌ای در کنار دیگر قوه‌ها باشد بلکه ساحت و مرتبت وجودی در کنار عقل و حس است، چنانکه در جلد هشتم اسفار ابن‌سینا در مطرح می‌کند که آنچه نزد من عمده است و اهمیت دارد، آن است که خیال امر جوهری باطنی است که غیر عقل و حس ظاهر است و عالمی دارد که غیر از عالم عقل و طبیعت و حرکت است؛ با توجه به این نظر ملاصدرا اینجا دیگر قوه خیال مطرح نیست بلکه عالم خیال مطرح است نه در حیطه آفاقی که انفسی.

وی گفت: ملاصدرا همچنین در آثار دیگر خود از جمله در «اسرار الآیات» و شرح «الهیات شفا» تصریح می‌کند که خیال همان روح حیوانی است، همان نفس حیوانی است که یک جوهر مجرد است، البته می‌گوید جوهر عقلی نیست اما عین نفس حیوانی است؛ بنابراین خیال در نظرگاه نهایی ملاصدرا به نوعی همه کارکردها، ساحت‌ها و شئون نفس حیوانی را شامل می‌شود از جمله ادراک، تصرف و...؛ به اعتقاد او خیال همان نفس حیوانی است که ارتباط با صور متخلیه، قوه منصرف در معانی و صور هست و هم‌واهمه است یعنی مُدرک معانی جزئی.

این استاد فلسفه اسلامی افزود: در واقع ادراکات بشر و رفتار ما نیز به یک نحو خیالی است و استدلال‌ها نیز به همین میزان خیالی و انتخاب‌های آنها هم از خیال است و سیاست‌گذاری و مدیریت هم زلفاش با زلف خیال باید گره بخورد کما اینکه ملاصدرا در آثار مختلف خود از جمله اسفار و مبدا و معاد و مفاتیح‌الغیب اشاره می‌کند مادامی که تدبیر بدن می‌کنیم آنچه که از ادراکات عاقل ما می‌شود به نحوی تخیلی و توهمی هستند، یعنی از متخیلات و موهومات هستند و دقیقا به همین معنا معقولات بالقوه هستند و نه بالفعل و ادراکات حقایق ما نیز به همین میزان است.

صلواتی تصریح کرد: ملاصدرا در مفاتیح‌الغیب اشاره می‌کند مادامی که از ابزار وهم و خیال بهره می‌بریم، اهل بصیرت نیستیم لذا ملاصدرا وضعیتی را از آدمی تصور می‌کند که در این وضعیت فقط عده محدودی از انسان‌ها استعداد آن را دارند که به بحث ناطقیت یعنی ادراک کلیات بدون اختلاط با خیال و مثال دسترسی پیدا کنند و علی‌القاعده آن سلطان ساحت وجودی اکثر انسان‌ها همان سلطان خیال است که وهم را نیز در بر می‌گیرد و تمام ادراکات و تحریکاتی که این انسان دارد و همچنین همه انتخاب‌ها و شئون زندگی و سبک زندگی او متأثر از این صورت و وجهه خیالی است که ما باید در سیاست‌گذاری‌هایمان در فضای پیشامجازی و فضای مجازی به آن توجه کنیم که توجه هم نشده است و بیشتر افرادی که در حوزه مدیریت و حکمرانی فضای مجازی زحمت می‌کشند کسانی هستند که یا از اهالی فلسفه نیستند و یا خیلی با نظریه و دیدگاه‌های اختصاصی ملاصدرا آشنایی ندارند یا اینکه این آشنایی و حضور هست اما خروجی و برون‌داد از این تفکر صدرايي را در مدیریت آنها مشاهده نمی‌کنید.

عضو هیات علمی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی در مورد رابطه فضای مجازی و فضای فیزیکی که در این نشست در قالب یک پرسش مطرح شد، اظهار کرد: از اساس این پرسش را موجه نمی‌دانم چراکه دوگانه فضای مجازی و فیزیکی را دوگانه موجهی نمی‌دانم؛ ما اکنون در فضای پیشامجازی متأثر از فضای مجازی هستیم، بسیاری از رفتارها و تصمیم‌گیری‌های ما متأثر از این فضای مجازی است و ما در واقع با روحیه و نگرش فضای مجازی داریم در فضای پیشامجازی زندگی می‌کنیم؛ البته این مساله را در یکی از سخنرانی‌هایم نیز گفته‌ام که در دوره جدید ذهن و زبان و وجود ما ذهن و زبان و وجود مجازی شده است و ما با این ادبیات در فضای مجازی زندگی می‌کنیم؛ در نتیجه پرسش مطرح شده را به این شکل می‌توان تقریر و صورت‌بندی کرد و آن مرز و دیوار بزرگ بین این دو نیست بلکه ما در هر دو حالت، یعنی حالت دیجیتال و مجازی‌گونه داریم زیست می‌کنیم و این دو نسبت به یکدیگر کنش‌های شدیدی دارند.



وی ادامه داد: البته روی کاغذ می‌شود مرزی بین فضای مجازی و افعی ترسیم کرد اما وقتی با این تقریر پرسش مطرح شده را بازسازی کنیم، متوجه می‌شویم همان‌گونه که در فضای دیجیتال نفس می‌کشیم همان موارد را هم به فضای پیشامجازی می‌آوریم که البته این در بسیاری از مسایل مورد تسامح است و بیشتر حالت تفهیمی دارد تا حالت واقعی.

در ادامه این نشست «ابراهیم معظمی گودرزی» مدیر امور فرهنگ عمومی و سبک زندگی شورای عالی انقلاب فرهنگی با اشاره به کتاب «صوفیسم و تائوتیسیم» نوشته «توشیهیکو ایزوتسو» اظهار کرد: در فصل اول این کتاب ابن‌سینا مطرح می‌شود که ما آنچه که در اطرافمان وجود دارد را واقعیت می‌پنداریم اما از نظر «ابن عربی» این چیزی جز رویا نیست. وی ادامه داد: دو پیامبر بودند که رویا دیدند، حضرت یوسف (ع) که خواب دید خورشید و ماه به او سجده می‌کنند، ابن‌جریران در قرآن در قالب این آیه آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا زِينَتَكُمْ مِثْلَ مَا كُنْتُمْ تُخْبِرُونَ وَأَكْثِرُوا مِنْ حُلِيِّكُمْ وَلَا يَكُنْ عَلَيْكُمْ ثِقَلٌ مِنْ زِينَتِكُمْ يُضِلُّكُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» پیامبر دیگر حضرت ابراهیم (ع) بود که خواب دید باید اسماعیل را ذبح کند که در قرآن به آن اشاره شده است: «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا آدَمُ أَفْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»، ابن‌عربی در تفاسیر خود بر همین آیه و ابن‌ماجرانور داده است؛ به اعتقاد او رویا و خیال را باید در عالم واقع تفسیر کنیم چراکه از نظر ساحت وجود یک وجود ممتد داریم، ابن‌عربی می‌گوید عالم خیال مرتبه نازل‌های از عالم ملکوت و عقل است.

مدیر امور فرهنگ عمومی و سبک زندگی شورای عالی انقلاب فرهنگی ادامه داد: آیات و روایت مختلفی در باب رویا و خیال وجود دارد، از تفاسیر متعددی نیز ارایه شده است، به نظر می‌رسد که برخی آیات قرآن نیز به فهم جدیدی دارد و به قول ملاصدرا این آیات به عقول آخرالزمان می‌رسد. وی افزود: مورد دوم بحث تاثیر فضای مجازی بر وجود و ماهیت انسان مخاطب است، سوال این است که ما چه‌طور می‌توانیم از تئوری و نظریه ملاصدرا استفاده کنیم؛ مثلا او که خیال منفصل را مطرح می‌کند، ما بیابیم و با حفظ موجودیت و ماهیت انسان، انسان به عنوان خویشتنی که در فضای مجازی مورد خطاب قرار می‌گیرد اما قدرت و فطرت خود را حفظ کرده است با نگاه به نظریه او بررسی کنیم و ببینیم که جدال بین عالم حس و خیال چه‌طور می‌تواند به ثبات فطرت و وجدان و ماهیت وجودی انسان به عنوان انسان نه به عنوان مخاطب فضای مجازی، بروز و ظهور یابد.

معظمی گودرزی گفت: فضای مجازی، فضای ماندگاری در عالم خیال است، در این سیر انسان‌های ما انسان‌های دیجیتالی می‌شوند و ماهیت فطرت و نفسانیت خود را از دست می‌دهند که این باعث می‌شود ما نتوانیم ماهیت انسان را به عنوان انسان داشته باشیم.

دکتر محمد محمدی‌نیا در جمع‌بندی نشست بیان نمودند به چالشی درباره مدل شما اشاره می‌کنم یعنی درباره مدل شما که در آن مدل، کاربران را از ساحت خیال به ساحت عقل باید سوق دهیم، مبانی تنظیم‌گری و حکمرانی فضای مجازی مستلزم نظریه فناوری است. در نظریه فناوری، از جمله ماهیت فناوری را توضیح می‌دهیم. از بخشی از ارائه امروز، به نظر می‌رسد که حکمرانی فناوری را مبتنی بر نظریه ماهیت فناوری را تا حد زیادی اراده‌گرایانه می‌بینید.

اراده‌گرایانه یعنی ما می‌توانیم فناوری را به سمت پرورش عقل و انتقال کاربران از مرتبه خیال به مرتبه عقل، سیاست‌گذاری کنیم. طبق آن نظریه فناوری که به خود ماهیت فناوری سهم جدی می‌دهد و به اقتضات ماهیت فناوری سهم جدی می‌دهد، برخی از خواسته‌ها و تنظیم‌های مد نظر ما با ماهیت آن فناوری و اقتضات ناسازگار است از جمله در فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی نوین و در فناوری‌هایی که برایش آنها فضای مجازی می‌شود، چالش جدی در برابر سوق دادن کاربران از مرتبه خیال به مرتبه عقل داریم. ماهیت این فناوری‌ها و ماهیت سکوها در برابر خواست و تنظیم‌گری ما مقاومت خواهند کرد.

باید به داد عروسک‌های بومی برسیم

آیدین مهدیزاده - پرستونیری

رشته طراحی اسباب بازی در مقطع ارشد در کشور وجود دارد

آیدین مهدیزاده تهرانی، پژوهشگر حوزه بازی و اسباب بازی با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» با موضوع فقدان عروسک‌های ایرانی در جنگ نرم بیان داشت: اشکال مهم حوزه تولید اسباب بازی این است که در این حوزه، تخصص موضوع گم‌شده‌ای است.

وی با تاکید بر اینکه حوزه تولید عروسک تخصصی است، بیان داشت: بازیابی، طراحی، دوخت پارچه، بوم شناسی و... از حوزه‌های تخصصی تولید عروسک است ولی متأسفانه برخی تولیدکنندگان اعتقاد و باوری به جریان تخصص ندارند که توصیه می‌شود برای داشتن فروش و بازاریابی تخصصی و رونق اقتصادی حوزه اسباب بازی تولیدکنندگان فرصتی را به طراحان، بازاریابان و متخصصین تولید محتوای مجازی دهند.

مهدیزاده تهرانی تصریح کرد: در حال حاضر برای تخصصی کردن حوزه اسباب بازی در دی ماه ۱۴۰۲، رشته طراحی اسباب بازی در مقطع ارشد در پرتال وزارت علوم قرار گرفته که این رشته از معدود رشته‌هایی است که بر مبنای نیاز و از دل بازار بیرون آمده است.

وی با بیان اینکه به زودی با تخصصی شدن حوزه تولید عروسک‌ها شاهد ورود عروسک‌های ایرانی به دنیای فروش و رونق اقتصادی این حوزه خواهیم بود، اظهار داشت: در حال حاضر نقیصه‌ای که در دنیای عروسک‌ها و جنگ نرم وجود دارد بی‌توجهی به مسئله اقتصاد و معیشت عروسک‌ها است که همه باید به رفع این جریان کمک کنند

پژوهشگر حوزه بازی و اسباب بازی ادامه داد: آن چیزی که امروزه در حوزه عروسک‌ها دارد از بین می‌رود ارزشهای پشت مفاهیم عروسک‌ها است که تلاش و پژوهش در حوزه‌های مختلف راهی برای شناخت و حفظ ارزشها و مفاهیم است.

مهدیزاده تهرانی در بیان نقش پررنگ عروسک‌ها در دنیای بچه‌ها و اینکه بچه‌ها سالها با عروسک‌ها زندگی می‌کنند و با عروسک‌های خود هم‌زاد پنداری می‌کنند، بیان داشت: بازی‌ها به چند دسته بازی‌های جسمی، تقلیدی، تخیلی، نمایشی و نمادین تقسیم بندی می‌شوند که هر کدام کارکردهای ویژه خود را دارد و به طور مثال بازی جسمی جسم را تقویت و بازی نمادین و تخیلی تخیل را تقویت می‌کند که عروسک تنها مدل اسباب بازی است که در تمام این چند نوع بازی حضور جدی دارد.

باید به داد عروسک‌های بومی برسیم

پرستونیری، مدیر تولید کارگاه عروسک سازی و احیا کننده عروسک‌های بومی و سنتی شهرستان بروجرد نیز در این برنامه بیان داشت: عروسک‌های بومی و سنتی جنبه اسباب بازی نداشته و به لحاظ آیینی و سنتی دارای اهمیت زیادی هستند ولی متأسفانه امروزه هنوز بسیاری از عروسک‌های بومی شناخته نشده و یا به فراموشی سپرده شده‌اند.

وی افزود: اگر به داد عروسک‌های بومی و سنتی برسیم کسانی که در مورد ساخت و تاریخچه آنها اطلاعاتی دارند از دست می‌روند و این مهم، ضربه موثری به میراث ناملموس کشور خواهد بود.

نیری تصریح کرد: عروسک‌های بومی و سنتی نشان دهنده شاخص‌ها و ویژگی‌های هر منطقه است به طوری که عروسک‌های پنبه‌ای در بروجرد بیانگر این است که این منطقه محل کشت پنبه است و یا بافت لباس عروسک‌ها بیانگر وجود هنر صنعت پارچه بافی در منطقه است.

مدیر تولید کارگاه عروسک سازی با تاکید بر اینکه هر عروسک بومی دارای یک شخصیت است اذعان داشت: در شهرهای مختلف ایران عروسک‌های بومی در مراسم مختلف کاربرد داشته و عروسک باران خواهی در منطقه کردستان و شمال کشور و عروسک‌های مونس و همدم در بقیچه عروس‌ها و عروسک‌های بدون چهره در بروجرد از انواع عروسک‌های بومی و سنتی ایران هستند.

وی با اشاره به اینکه عروسک ساخته دست بشر و از ابتدای زندگی بشر وجود داشته و قدمت عروسک به سال قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد، ادامه داد: امروزه به لحاظ سختی‌های تولید عروسک فقط عشق به عروسک‌ها می‌تواند تولیدکنندگان این حوزه را نگه دارد.

نیری در تشریح مشکلات حوزه تولید عروسک نیز بیان داشت: متأسفانه قیمت تمام شده عروسک‌های ایرانی قابل رقابت با عروسک‌های چینی نیست و عروسک‌های ایرانی به دلیل قیمت بالای تمام شده نمی‌توانند در بازار نفوذ کنند



صاحب امتیاز و مدیر مسئول | محمد جواد اهوپی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهوپی | گرافیکست و صفحه آرآ | سارا کولیوند
روابط عمومی | جهانگیر توسلی | ناظر هنری | محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۸ - ۰۹۹۳۱۲۶۱۳۴ | آکشی ها | ۰۲۱۸۶۰۵۲۰۸
نشانی | بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۴
چاپ | صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



جنگ ستارگان در قالب سه گانه بازی می گردد

سایمون کینبرگ، کارگردان باهمکاری استودیو لوکاس فیلم در حال ساخت یک سه گانه جدید از «جنگ ستارگان» است. ساخت این سه گانه جدید هنوز در مراحل اولیه است و مشخص نیست چه زمانی به مرحله تولید برسد.

باید به داد عروسک های بومی برسیم

بازی ها به چند دسته بازی های جسمی، تقلیدی، تخیلی، نمایشی و نمادین تقسیم بندی می شوند که هر کدام کارکردهای ویژه خود را دارد و به طور مثال بازی جسمی جسم را تقویت و بازی نمادین و تخیلی تخیل را تقویت می کند که عروسک تنها مدل اسباب بازی است که در تمام این چند نوع بازی حضور جدی دارد.



عزت و آبرو فقط دست خداست و ...

با اعمال نیک به دست می آید.
کسی نمی تواند با حيله گری و گناه آبرو به دست آورد

(سوره فاطر آیه ۱۰)

فرصت طلایی برای مدیریت فوتبال

فریدون حسن



فدراسیون با چنین حاشیه هایی روز به روز به زمان انتخابات اوایل اسفندماه نزدیک شود. مهدی تاج هر چند طی روزهای اخیر عدم رضایت خود از شرایط فدراسیون فوتبال را اعلام کرد، اما موضوع را به سمت و سویی دیگر برد تا کمتر مجبور به پاسخگویی بابت حاشیه های مدیریتی فدراسیون باشد و تا ماجراهای دخالت و دست داشتن مدیران فدراسیون در پرونده های فساد فوتبال بیش از این رسانه ای نشود، اما با یک رصد گذرا می توان متوجه شد که چرا تاج از وضعیت فدراسیون ناراضی است. مهدی تاج از وضعیت فدراسیون ناراضی است، چرا که حاشیه های تمام نشدنی نه تنها باعث ورود مراجع قضایی به فدراسیون شده، بلکه باعث ایجاد تغییرات ناگهانی در سطح مدیران ارشد فدراسیون فوتبال و سازمان لیگ هم شده است و او در چنین شرایطی باید خود را آماده برگزاری انتخابات اسفندماه کند.

البته تاج می تواند به نیمه پر لیوان هم نگاه کند و با به کارگیری مدیرانی لایق تر و کارکشته تر از این چالش بزرگ سلامت بیرون بیاید. این دیگر بستگی به خود او و نوع نگاهش به آینده مدیریت خود و فوتبال کشور دارد. آنچه مشخص است اینکه مدعیان ریاست فدراسیون یکی بعد از دیگری در حال خروج از چرخه هستند و این فرصت مناسبی است تا مدیریت فوتبال نفسی تازه بکشد. البته به شرط آنکه مهدی تاج این فرصت را غنیمت بشمارد.

حدود چهار ماه تا برگزاری مجمع فدراسیون فوتبال برای انتخاب رئیس فدراسیون باقی مانده است. سه ماهی که به سرعت برق و باد می گذرد و فوتبال باید رئیس جدید برای خود انتخاب یا اینکه به ادامه حضور مهدی تاج رأی دهد. رئیس فدراسیون فوتبال، اما این شانس را دارد تا در فرصت باقیمانده با ایجاد تغییرات درست جای پای خود را در فدراسیون محکم کند.

آنچه این روزها ذهن اهالی فوتبال را به خود معطوف ساخته، مسئله پرونده های مفتوح فساد در فوتبال و رد پای پرننگ اعضای هیئت رئیسه فدراسیون در این پرونده هاست. همین حالا رسیدگی به پرونده قطور فساد در مس رفسنجان با متهمان زیاد فوتبالی و رسانه ای در دستور کار دادستانی استان کرمان قرار دارد. همچنین طبق اعلام سخنگوی دستگاه قضا، پنج عضو که تعدادی از آن ها از اعضای ارشد فدراسیون در سال های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ نیز بودند به دلیل پرونده مرتبط با باشگاه گل گهر سیرجان به دادگاه کرمان رفتند تا توضیحاتی را درباره پرونده مربوطه ارائه دهند. پرونده های قضایی در خصوص مدیران فعلی باشگاه های لیگ برتری نیز همچنان باز است که احتمال محرومیت یک نفر از آن ها در آینده نزدیک وجود دارد.

پیش از این هم تعدادی از مدیران ارشد و رده بالای فدراسیون فوتبال از سمت خود برکنار شده اند از جمله خداداد افشاریان که از ریاست کمیته داوران برکنار شده و با قید وثیقه آزاد است تا حکم قطعی تخلفات او صادر شود. سهیل مهدی و فریبرز محمودزاده، مسئولان برگزاری مسابقات لیگ برتر و لیگ دسته اول نیز با دستور مرجع قضایی بازداشت شدند، اما این دو نیز با تودیع وثیقه منتظر صدور حکم نهایی هستند. اما آنچه باعث شده این ماجرا وارد فاز تازه ای شود، مسئله رذصلاحت احسان اصولی یکی دیگر از اعضای هیئت رئیسه فدراسیون برای شرکت در انتخابات هیئت استان خراسان رضوی است. هر چند هنوز قطعیت رذصلاحت اصولی تأیید نشده، اما کناره گیری ناگهانی او از انتخابات شائبه رذصلاحتش را پررنگ تر کرده است تا

ثبت طولانی ترین رالی تاریخ تنیس روی میز جهان



فردریک نیلسون و امین اولسون که در دسته دوم مسابقات سوئد فعالیت می کنند ۱۳ ساعت و ۳۷ دقیقه و ۲ ثانیه بی وقفه و بدون خوابیدن و خوردن غذا برابر یکدیگر بازی کردند. شروع بازی آنها اوایل صبح بود و تا ساعت ۲۱:۳۰ شب دوئل آنها در یک سرویس طول کشید.

بیرانوند در رده نخست آسیا ایستاد



کنفدراسیون تیراندازی آسیا رنکینگ برترین های اهداف پروازی این قاره را در سال ۲۰۲۴ را اعلام کرد. بر این اساس محمد بیرانوند، جوان ترین تیرانداز حاضر در المپیک پاریس با ۱۵۰۰ امتیاز در رده نخست رنکینگ تراپ مردان آسیا ایستاد. تیراندازی از کویت و چین در جایگاه دوم و سوم ایستادند.

نارضایتی سر آشپز از دستپختش در فوتبال!

شیوانوروزی



گلایه داشته باشید یا انتقاد کنید، چرا که شما سال هاست رئیس و نایب رئیس فدراسیون هستید و سکندر فوتبال بوده اید. اگر قرار بر نارضایتی باشد این حق رسانه ها، فعالان و پیشکسوتان این رشته است، نه شما. همانطور که اشاره شد رئیس قسدی برای تغییر رویه و قدم گذاشتن در مسیر مدیریت صحیح ندارد. این را می توان از بخش دیگری از اظهار نظرش به وضوح درک کرد: «بودجه فدراسیون فوتبال نسبت به خیلی از کشورهای دیگر قابل مقایسه نیست و اگر بخواهیم وضعیت مان را با کشورهای مثل ژاپن و کره مقایسه کنیم، حداقل چهار یا پنج گل عقب هستیم.»

سؤال اینجاست آیا واقعا مشکل فوتبال ایران کمبود بودجه، آن هم در مقایسه با کره و ژاپن است یا اینکه سرچشمه همه حواشی، جنجال ها و کمبودها به مدیریت این رشته می رسد؟! کیست که نداند فدراسیون فوتبال چندین برابر همه رشته های ورزشی کشور بودجه دارد و حتی بابت تساوای نیز به ملی پوشان پاداش ارزی می دهد. گردش مالی فوتبال ایران طوری سر به فلک گذاشته که احتمالا حسابش از دست مسئولان هم در رفته است. باید بگوییم کاش از کره و ژاپن فقط چهار یا پنج گل عقب بودیم. واقعیت این است که تعداد گل های عقب مانده از فوتبال این دو کشور آسیای شرقی و همچنین کشورهای همسایه بیشتر از این حرف هاست. کافیکست نگاهی به چند مورد از قانون گریزی های فوتبال بیندازیم. همین قانون سقف بودجه که خودشان گذاشتند و خودشان هم آن ملغی کردند؛ هم انتظارات بازیکنان و باشگاه ها را بالا برد و هم به سطح کیفی مسابقات ضربه زد با جریمه های میلیاردری کمیته انضباطی و محرومیت هایی که فرمالیته هستند. داود رفعتی با اینکه از تمامی فعالیت های فوتبالی محروم است، اما با خیال راحت کنار تاج حضور دارد. آقایان کمیته انضباطی هم برای یک انتقاد جریمه

سرعت به قهقرا رفتن فوتبال کشورمان آنقدر زیاد شده که حتی رئیس فدراسیون نیز دیگر به خود زحمت نمی دهد در وصف مدیریت این رشته مصاحبه کند و به فدراسیون چند ستاره اش بیاید. انتخابات هیئت فوتبال استان ها بهانه خوبی بود برای مهدی تاج تا به واقعیت هایی که همه از آن ها خبر داریم، اعتراف کند: «فوتبال ما نسبت به بسیاری از کشورهای آسیایی عقب است. در حال حاضر هیچ کس نمی تواند بگوید از شرایط فعلی فوتبال کشور راضی است و خودم نیز از وضعیت فدراسیون راضی نیستم!»

این اعترافات تلخ رئیس فدراسیونی است که طی سال های گذشته هیچ تغییری در روند مدیریتی و کاریش ایجاد نکرده و همین دست فرمان معیوب است که حسرت یک برد آسیایی را به دل پرطرفدارترین رشته ورزشی کشور گذاشته است. شنیدن این جملات از زبان شخصی که همیشه به فدراسیون چند ستاره اش می بالید کمی عجیب و البته ناراحت کننده است، چرا که آش آنقدر شور شده که حتی دل صاحبان را نیز زده و وخامت اوضاع به جایی رسیده که بالاخره دلشوره و نگرانی به دل آقای رئیس انداخته است. سال هاست زمین و زمان از وضعیت اسفناک حاکم بر فوتبال می نالند و نسبت به عواقب غیرقابل جبران آن هشدار می دهند، ولی کو گوش شنوا. مدیران فدراسیون در همه ادوار یا اهمیتی به انتقادها نداده یا منتقدان و رسانه ها را به غرض ورزی و عدم رعایت انصاف متهم کرده اند. حالا همان ها که زیر بار انتقاد، گلایه و هشدار نمی رفتند، پیش دستی می کنند و خودشان را نسبت به وضعیت فعلی فوتبال نگران جلوه می دهند. باید به تاج یادآوری کرد که آقای رئیس اگر شما رضایت ندارید، نمی توانید از کسی

میلیاردری می برند، ولی برای مربی که حرف های شنیع زده رأی به پرداخت جریمه ۵۰۰ میلیونی می دهند! از طرفی نجومی شدن رقم دستمزدها نیز به حال خود رها شده و گویا خیلی ها از قراردادهای میلیاردی بازیکنان و مربیان درجه چندم سود می کنند. در مورد کمبود امکانات و زیرساخت های نابود شده نیز بحث های زیادی شده و یک زمین چمن معمولی برای برگزاری بازی های لیگ در کشور پیدا نمی شود. فوتبال ما همه جوهر انگشت نامی عام و خاص شده و پستی و بلندی های زمین های چمن مان به سوزه خنده تیم های عربی تبدیل شده است. این ها را گفتیم تا دوباره تأکید کنیم که نباید به مردم و هواداران آدرس غلط داد. در عصر ارتباطات و بالا رفتن سطح آگاهی جامعه به راحتی می توان فهمید معضل فوتبال ایران کمبود بودجه نیست.